

نفع بی زیان یا دخل مشروع

(قابل توجه وزارت مالیه و وکلاء)

(دارالشورای ملی)

بدیهی است که امروزه حال دولت از حیثیت مالی دوچار اختلال میباشد و چرا چنین نباشد در صورتیکه ادا مقتضیاتیکه مستلزم پایداری و برقراری اعتبار باشد من حیث المجموع مقود و برعکس آن بسیاری اسباب و علایمی میشود که مستوجب کمال بی اعتباری و خشکانیدن سرچشمه ثروت و نبی کردن خزینه و بیت المال ملت بوده از هر طرف وجود داشته و دارد. خرج تراشیدنیهای سابقین از یک طرف بر مایه مملکت فشارهای مجدد وارد میآورد و بطوری ناگفتنی مایه ازدیاد اختلال میشود و از طرف دیگر عدم توافق دخل با خرج و نبودن ترتیب اداره مالیه و تفسیرات متوالی که در هیئت آن اداره دست مبداء باطبع منتج این نتیجه حایله گردید و ما را برین روزگار سباه نشاید و چیزیکه حالا مسلم عموم میباشد این است که ضرورت وجه برای دولت بهیچوجه من الوجوه قابل انکار یا شبه بردار نیست. هر وقت هم که رفع و دفع مناسد ایران و استقرار امنیت در آن مملکت مطرح مذاکره عقلاء و فصلاء دنیا یا جراید داخله و خارجه شده اول بلا اول همین اختلال مالیه را اولین عایق کار تصور کرده اند و لزوم یک استقراض را با دلایل عدیده تاکید نموده اند تا بجائیکه گوشها از این حرف استقراض بر شده و دیگر کسی غیر از این مطلب هیچ چاره و علاجی نمی جوید.

ارباب سیاست و پلنیک همسایه هم می بینند که خوب مسئله در پیش آمده و منتظر اند هر شیوه بتوانند یک قرضه توانی را بخلق ما فرو کرده و آن مقاصد عمده و مطالب اهمی که در انکار دارند حاصل نمایند و چنانکه بارها گفته و میگوئیم که بوسیله این استقراض مواد معاهده خود را بتصدیق فعلی ایرانیان رسانیده و متدرجاً در مقام اجراء بگذارند. از آنجائیکه متکرر در این نکته مهم بحث کرده و برای توضیح این معنی دلایل محسوسه ارائه کرده ایم فعلاً از تخریر آن بخلیم صرف نظر

می نمایم، خاصه در صورتیکه از تداومت واسعه وجود وکلای مجلس حایله استقراض از دولتین متعهدین را مایه استقلال ایران دانسته و حیثیت هم خوب دانسته اند. ولی میخواهیم این نکته را بیان کنیم که قرض را اعم از اینکه از داخله یا خارجه باشد وقتی میتوان صحه گذارد که بتوانیم سامن ادای آرا حاضر نمایم و در ازای وجهی که میگیریم محی به ضایعات نادیه قرض را کند اصلاً و فراموشی نداشته باشیم. چه وقتی ضایعات صحیح موجود نباشد نه کسی جز از ارباب عرض دادن قرضه بایران اقبال خواهد کرد و نه باین اتصالات و اعتناشات داخلی مملکت و عدم اطمینان مالی و جان و نداشتن اعتبار صحه دولت و عدم موجودی وزارت خنهای حساب و هزاران عوایق دیگر که پیش میاید قادر بر این خواهیم شد که استقراض مقرون بضرر بنمایم و معلوم است که استقراض پیشرفته بیشتر از یک اردوی خصم قومیت و ملیت ایران صدمه خواهد زد. قرضه پیشرفته تلف کننده حقوق ملت و مصر منافع و محل سعادت مملکت است. قرضه پیشرفته سابق است بسوی بدنامی و هادی است بجاده گمراهی. قرضه پیشرفته تیشه بر ریشه استقلال ملک و ملت میزند و آنرا که بحسن استقبال وطن امیدوارند مایوس و دل مرده میسازد. و بالاخره چنین قرضه دیگر نه برای مملکت اعتباری برقرار میگذارد و نه برای امور ملی پایه و نه مداری و نه جبهه آتیه مملکت قرار میگذارد و چنین فعلی در بر انداختن بنیان قوم و ملک با وسیله استبداد هیچ فرق و اختلافی ندارد.

یک سال و اندی پیش که همین موضوع حایله در مجلس پیش آمد و ذکر استقراض ورد زبان دانشمندان بود در چندین مقاله مخصوص تحقیقاتی در این خصوص کرده نظریات خود را بیان نمودیم و من جمله در شماره ۲۸ از سال یازدهم شرحی ضمن استقراض داخلی و حصول وجهی از ملت تخریر آوردیم، حالا هم که باز موقع تذکار و اخبار رسیده یکی از منابع ثروت را که در آنجا ذکر نموده بودیم با ملاحظاتی علاوه و ترتیبات مقتضی وقت بیان مینمکنیم.

بیداری از دانشمندان ما همینکه به تحقیق در این مسئله اشتغال میکنند اوان نطریات خود را منحصر باین اظهار میدارند که «تروت ایران کانی از برای ضرورت تمدن خودناست» ولی ما ناآن اطلاع کامل و اوان که از وجود منابع تروت در ایران و افتداری ایران برون احتیاجات خودشان داریم محالست ما این عقیده میباشیم، از این جهت اهم نماید صرفاً بر کرده و رایان ما کون همت ساده، تصادف نمودن تا قدر ویدیت و مقدر ویدیت تروت حر را بطوری که حسب بدید و برای اثبات این حقیقت دلایل محسوسه عدید داریم که مانع دگرآنها از مانع فیه خارج و بوقت خود محول میباشد

فعللاً عقیده ما این است که بضرورت و بدیدتر و - المیزان از جمیع طرقی که برای حصول قرض (اعم از داخله یا خارجه) میباشد همانا انحصار رؤی است، یعنی خرید و فروش تباکر را دولت تحت انحصار آورد، چنانکه امروزه معمول به جمیع دول بیدار دنیا میباشد، انحصار رؤی خوف و وحشتی بخاطرهما نمیرساند چه هیچ اختصاصی با ندارد و درممالک عثمانی، انگلیس، آلمان، فرانسه و غیره و غیره حتی بلغارستان هم جاری است، درت انگلستان یک قرن است این ترتیب را در بدوستان هم جاری داشته و مانع کلیه برده است، بلغارستان که بعد از جنگ روس و عثمانی باختلال امور مالیه تصادف نمود فوراً برای رفع آن تشبث بهمین وسیله جسته دخانیات خود را تحت انحصارگذارد و در اندک مدت بهمین وسیله دارای اعتباری کامل گردیده تا باین خود را بحوی اتم مرتفع داشت، در صورتیکه همچو دولتی که ساحت مملکتش تقریباً مساوی بیستم حصه ایران و عدد نفوسش ربع جمعیت آن باشد بتواند این وسیله متبهره را بر آن نحو مروضه بکار برد و خویشتن را از گرداب مشکلات برهاند ما حصه دارای چنین مملکتی وسیع و نفوسی وافر (بر حسب نسبت) میباشیم ابدأ عذری نداریم که چرا از اجراء آن عمل چشم پوشیده و یک از منابع عمده دخل دولت را متروک عنه بگذاریم، جای تأسف است که وزارت مالیه ما هماره چشمش فقط بهمین جزئیات مایهات گمرکی دوخته باشد و تمام مداخل ملدی را

منحصر بهمین دانسته پیوسته سعی و کوشان باشد که فرصتی برای زیاد کردن رسوم و عثور گمرکی بدست بیاورد، و هیچ انتقادات نکند که در این مملکت آن قدر منابع تروت موجود است که بکار داشتن آنها به تنها کانی از رفع احتیاجات بلکه موجب حصول اعتبارات بسیار خواهد شد طریق اسلم و اندی را که باید اختیار کنیم ایران است که مجلس شوری قانونی وضع نماید که برای اصلاحات ملدی فلان تشبیه و فلان امر و فلان اداره باید در عرصه ده سال مآلاً برصد کرور تومان بدوالت بدهد و بر طبق آن قانون مرتب داشته معادل مبلغ مزبور بوزیر مالیه امر کند که تریک شاهی و دو شاهی و دهشاهی و یکقران و بالاتر به طبع رسانیده بحکم مصرف این نمرها انحصار خرید و فروش دخانیات را موقتاً بوزارت مالیه اعطاء کند و مشارالیه بزیک هیئتی صحیح و اداره مرتب بمصارف قلیل برای انتظام این کار تشکیل دهد، فقط صد بست و بیج بر قیمت دخانیات داخله افزوده و دخانیات وارده از خارجه را مثل سایر بلادی که این قاعده در آنجا جاری است صد هفتاد و بیج ماخود دارد و در معادل آن رسوم مأخوذه تتر صرف شود، و هرکس تباکو و او اینکه یک قوطی سیکار که صد دینار قیمت داشته باشد ابتیاع کند یک پول تتر روی آن دریافت دارند، خریدار هم تتر هارا جمع نموده بیک میزان معینی که رسید در وزارت مالیه برده سند ترض دولتی را حاصل نماید - ترتیبات انتظامیه که باید بدون حیب و میل و بر حسب نظامنامه منقح باشد از گنجایش اخبار بیرون است و همینقدر باید گفت که وزیر مالیه بایست اقدامات لازمه کافیه در سد طریق تقلب و اجراء قاعده و دستور در این اداره مبذول دارد و میزان صحیحی برای مصارف مقتضیه و تدارکات درسی جهت تعیش و تدفین در امورش معین سازد -

نصیحتیه دیگر که مؤید پیشرفت اخطات میباشد آن است که دخانیات از ضروریات واجبه حیات نیست و در سلسله تقلات بلکه تغذات شامل و مندرج است و کسی نمیتواند چندان احساس این تحمیل را بنساید یا از اجراء این ترتیب کمپورت ظاهر سازد - فرضاً که نفوس ایران را بیست کیور

محبوب داریم (و حال آنکه پیش از این است) و از این عده هم ده کروور اطفال و زنان و اشخاص که درین عادت معتاد نشده اند حساب کنیم و اگر هر یک از این افراد روزی یکشاهی دروجه دخانیات صرف کند روزی بیست و پنج هزار تومان و ماهی هفتصد و پنجاه هزار تومان و سالیانه ه میلیون و یکصد و بیست و پنج هزار تومان میشود و ربع آن چهار کروور و دو بیست و هشتاد و یک هزار و دو بیست تومان خواهد شد و ظل مقام هم این است که چون عده نفوس و مقدار مصرف را خیلی کمتر از آنچه هست حساب کرده ایم ربع مبلی که صرف میشود خیلی بیش از این و بالغ به هفت هشت کروور خواهد بود ، ولی حد وسط آنرا که پنج کروور است میگیریم و در صورتیکه بخواهیم این اداره را با کمال دقت و با نهایت صحت مرتب داریم که حیف و میل و تقلب در آن واقع نشود متناهی مصارفات به یک کروور میرسد در آن صورت سالیانه چهار کروور تومان منافع که هنوز هیچ مصارفی در معادلات نتراشیده ایم عاید خواهد شد ، برای رفع شبهه لازم است این نکته را نیز نهنده و نکته نگذاریم که اجراء این ترتیب خیلی از تزید عشور گمر آسانتر و بمصلح مملکت نزدیکتر است ، چرا که عشور مزبور به بالنسبه باحوال حاضره مردم کمال اعتدال را دارد و اگر بخواهند آنرا زیادتیر کنند در نظر مردم این عمل یک کوه اجحاثی خواهد بود که خیلی مانع از اجراء و پیشرفت آن میشود ، ولی برعکس چون (بطوریکه در فوق گفتیم) دخانیات از جمله ضروریات حیات میباشد و این رسوم مذکور جزئی میباشد البته چندان نمانی نخواهد کرد و کسی که فرضاً صد دینار یا دهشاهی در وجه دخانیات میپرداختند یک بول یا دو بول برای او فرقی نمیکند و نمودی نخواهد داشت و مایه تسکین حیات و عسرت معیشت وی نخواهد گشت و بر فرض هم صکه دایمی بر عسرت تصور شود کیبکه روزانه یکشاهی صرف دخانیاتش باشد میتواند ربع از دخانیات را کمتر خرید نموده تا زیان مالی باو برسد بلکه منافع جسمانی هم باین وسیله حاصل کند و چون شرط اعظم این کار آنست که سمت همومیت داشته باشد و بعضی مردم دون بعضی

وارد نشود یعنی می رود که احساسات عمومی را و نخبی نخواهد داد ، گذشته از آن مراتب چون ترتیب این اداره محتاج بهال و مامورین و کاشنکان می باشد البته در ضمن این عمل بقدر بجهزار نفر بیکار از عطالت رهائ یافته بکار میرسند و وقتی که این عمل چهار کروور مع کرید و محسوس شد که همچو منبع دهر برای صحت استقراض موجود میباشد تا درجه اعتبار مصحل شده ما محدود حیات خواهد کرد و آتوقت میتوانیم یک قرضه مقرون بشرف از هر جانی که مناسب بامتنصیبات سیاسی و احوال بواتبکی خودمان باشد بگیریم و این اداره را بضات آن استقراض بگذاریم و در حالی که دیگران برخ سود را متناهی صد چار محسوب میدارند و از همدار هم ما باید بایشان پردازیم در ایران مع صدی دوازده افلا ازین وجوه استقراضی تحصیل خواهد شد و پس از سالی چند مبلی هنگت سرمایه ملی ذخیره برای افراد ملت جمع گردیده و رفع احتیاجات دولت هم شده است نهایت اینکه در قانون راجه امر را بر این قرار باید داد ، که حق خرید و فروش سندات استقراضی را که در مقابل نمر داده شده بر عایای خارجه نخواهند داشت و بعد از آنکه دو بیست کروور نمری که معین شده بفروش رسید اگر وقت منقضی باشد خرید و فروش نماند که هم از انحصار بیرون آید و آن زیادتی قیمت که گرفته میشود نگیرند - اما باید داشت که بلحاظ مناسباتی که مربوط به مقتضیات مملکت میباشد ابدأ صلاح نیست امتیاز همچو اداره بخارجه داده شود و این منبع دخل بید دیگران مفوض و موکول گردد ، بلکه اصلح و اسب ایست که برای اطمینان قرضی که میدهند بخواهند نامر بر صحت عمل این اداره شود فقط (کنترول) آنها را در این اداره باید اجازه داد و عملیات شان را باید بهمان (کنترول) محدود نمود -

بنظر ما این طریقی را که عرض کردیم برای رفع و دفع احتیاجات حالیه مملکت احسن طرق و بهترین اصول است که هم چندان بر ملت گران نمی آید و هم در واقع و نفس الامر بمنزله یک استقراض ملی میباشد و گرنه از مشق بچاره منصرف که خودشان در آخرین یاه بریشانی و تنزل ،

اختلال مالی میباشند نمیتوان چشم داشت آنرا داشت که بحرفهای جرب و شیرین گول خورده ثروت خودشانرا بجای و بلا عوض بدهند چنانکه در مورد مانگ ملی مبالغی دادند و آخر معلوم نگردید که کجا رفت

عبرت نمودن و ما عدم اطمینان بول دادن از این ملت که تجارب عدیده در این باب کرده اند البته بید و شاید مقرون بحال اسب و حقیقت هم بید همینور باشد، چرا که اولاً هیچ درجه ته اوی مراعات نشده و نایباً هیچ اطمینانی بصرف وجوهات در موضوع خود سوده و نیست، ولی وقتی که باشد چه اداره تشکیل و ترویج بید در آن صورت هم داخله مطمن از تنظیم کار خواهند بود و هم خارجه ما متهای شعب در تکلیف کردن ما باستقراض اقدام خواهند نمود، چیزیکه غالب صرافان معتبر دنیا را از دادن قرض ماها دل سرد داشته است همان نبودن ترتیب در کارهای ماست و بارها گفته اند و گفته ایم که تا وقتی که نظم و ترتیب حقیقی و (کنترول) مؤثری در امور مالیه ما جریان نداشته باشد نه از صرف وجوهات در موضوع و مورد معین میتوانیم اطمینان داشته باشیم و نه کسی غیر از ارباب عرض تکلیف یا اقدام باستقراض میکند و تا زمانیکه حال بر این موال میباشند هیچ حق نداریم که بجوایم زایداً علی ما کان ثروت عمومی را بدست آورده و بپیل و هوس خودمان مصروف داریم، اول باید اعتبار پیدا نمود و پس از آن زمان بحرف استقراض کشود - حصول اعتبار هم همین طریق است که در فوق عرض شده و امروزه هر طریقی دیگر را که بجوایم برای پیشرفت مقصود یعنی حصول اعتبار ملی و تهیه کردن محل جهت ادای قرضه بنمایم مانند این طریق نخواهد بود و حسن نتیجه نخواهد داشت برای منافع اجراء اداره رژی در ایران دلیلی مشهور تر از این تصور نمیشود که تخمیناً کمتر از یکقرن گذشته انگلیسان هوشیار مناعت خواه امتیازش را از ناصرالدین شاه گرفتند هرگاه مصادر امور ما منافی را که يك قرن گذشته دیگران در مملکت ما دیده امروز هم نه بینند بدا بحال این ملک و ملت، حضرات ایاتالله را نیز در

ایفوق منذ کر میسوم که هرگاه در عوض اعلان اعانه بجای این مراتب را تشویق و ترغیب فرمایند بلکه مصادر امور را حکم نمایند يك قرضه ملی بسیار مهی که بسیاری از مهمات و احتیاجات ما را کفایت کند حاصل توانند نمود و هرگاه بگوئیم صواب و اجر آن از دادن اعانه که یقین نخواهند داد (الا قلیلاً) از این استقراض ملی عمومی بیش نیست سعی، کزاف سگفته ایم (من دالی ترض الله قرصاً حساً فیصاعنه له اصعافاً کثیره)

هیچ دلیلی نداریم که بگوئیم قرضه نوعی که ماه بیا و استقلال يك مملکت اسلامی است مقابل ما قرضه شخصی که رفع احتیاج فردی را بکند میباشند (انما ینبیکم الله عن الذین قاتلوکم فی الدین) (و اخرجوکم من دیارکم و طاهروا علی) (احرا حکم ان تولوهم)

بجایه ایرانی، ینوا ایرانی. عجب مردمان سادملوح زود باور گولخور هستند، هنوز هم اعتقاد بعضی از اکابرشان ایست که حضور قشون روس در ایران واجب بود و محض از برای اعاده امنیت بود و قصد سوئ در حق ایران ندارد و حمایت محمد علی میرزا جهت رفع غائله بود و به حال روسیه بردنش از برای خوف این بود که مبادا برود بخاک دولت دیگر و در آنجا خوابهای آشفته در حق ایران به بیند و املاک شخصی او را در وض دیون شخصی او بدولت ایران واگذار نمودن برای این بود که قطع ید او از مملکت بوده باشد (هرچند که قیمتاً بتدر کفایت ربع دیون نمیشد) و سالی صد هزار تومان از برای این بود که زحمت کشیده بود ملک ستای کرده بود حق او در ذمه دولت ایران ماند مزدشش را بگیرد، اینها همه از برای آن بود که قطع کلام مابین محمد علی میرزا و دولت ایران بوده باشد ملت ایران باید از این اقدامات و به ملاحظه حق جوار کمال امتنان بدولت فخریه روس اظهار نماید و از آنها دارند و نمیکتند، خدا به همه کس چنین همایه متحمل و صبور و ساده کرامت فرماید که از خود بخورد و تشکر او را از دیگری نماید، اگر به نیت نزدی از دیوار باین بیاید املاً و سلاً بگوید که اگر

یاسان تو نبود دزد خانه مرا خالی کرده بود. اگر بیبانش بچشم بد نگاه نماید بگوید برادر مقامی است اظهار تفقد مینماید، بخدا من که هیچ علاقه در ایران ندارم و هیچ مرده ام هم در آنجا مدفون نیستم و فرسنگها دور از ایران و در گوشه دکن منزوی هستم، محض تلاحظه قومیت و علاقه اتحاد دیانت شیرتم میگردم و رشکم می آید که مات ایران چرا باید اینجه ساده لوح باشد که دوست را از دشمن بشناسند اسان عارش بر آید که بشود که يك دولت مستبده طای که دیروز در اورویا نام تمدن بر روی آنها گذارده نشده ما بدیم ایران را انگشت کردات خود نماید و علانیه هر گونه دشمنی را به خرج بدهد و بگوید که کور بشوید و گر باشید و نهیبید که بنائش و شنوائش و ادراک شما به حال من مضر است - عجیب وضع، غریب حالت، خوب، ای اهالی ایران، ای آنانکه ادعای ذکاوت و فطانت دارید و خود را مستعد ترین ملل میدانید و در این سه سال هم تا یکدرجه مدعای خود را قرین نبوت داشته اید، اگر این سکوت شما سکوت دیپلماتیست باز ممنونم، والا

وای بر احوال تان بوج است استقبال تان

حیات ملت و ملت و صد حیات استقلال تان نکارنده بر فرض تسلیم که واقعیات هر است که فریبده آید می برسد، آیا بر رفتن قازان روسی از تبریز به قراجه، داع پیش رحیم خان و برگشتن و مجدداً رفتن دوکتور روسی قونسلمخانه روس با عده قلیل قازان بنام ناخوش احوال بودن رحیم خان به قراجه داغ این مراوده را چه مضا میدهید؟ اگر رحیم خان مال التجاره و شتر تبعه روس را جپاول کرده بود لازم بود که اموال تبعه خودشان را از دولت مطالبه نمایند و اگر دولت را قادر بر دادن اموال خود و تنیبه رحیم نمایند و او را قصر میدانستند لازم بود که او را به چشم تقصیر آری به بینند و چون بر او دست یافتند بعد از سترداد اموال او را دستگیر نموده و تسلیم دولت نمایند یا به (سیبری) بفرستند و اگر دستگیری او را خواستند ولی دست نیافتند اینجی بعد از تصادم تحقق میشد نه بدون تصادم و عدم استعمال آلات جویب و اگر چه اینها را تسلیم نمانیم فرستادن

طیب به برانه مرض لقوه و فالج رحیم - لب به چه عنوان بود؟ مگر در تبریز و اردبیل و ایلیب فقط بود که باید قونسول روس ذیبب مخصوص با عده قزاق روسی کسبل دارد؟ خدایا زین معای برده بردار

این چه حرکت قازان بود مگر خدای نهد، قور خانه و جیه خانه و مهات برده بودند که بدون فاصله بسر رحیم با سواره زیاد به طرف اردبیل حرکت نمود و این چه رفتن ذیبب مسیحا دم بود که بجای رفت و دوا می برالساء داد که به محض انصراف طیبب خود رحیم خان فالج با سواره زیاد در دور اردبیل به اردوی پسرش ملحق گردید و دست بهم داده و اردبیل را محاصره نمودند مگر طیبب هم حامل دستور العمل و بعضی نواقص حرکت بود، جوی از اردوی قزوین را به قراولحاه های راه شوشه تقسیم کرده اند، آیا راه رشت و قزوین ظلمن شده بود یا واقعه روی داده بود، یا اینکه خط حرکت و رجعت را تاملین کرده اند؟ سیاسیون ایران زمین چه شده؛ این حرکات را چه معنی میدهند و عاقبت کار را بکجا منجر میداند. و چاره این درد را از چه راه میجوید. خبر از حقوق جوار و تعدی فاحش میدانند و این اقدامات روس را لازمه تصرف به قسمت جغرافیائی خود می بینند، عاقبت کار استقلال است یا اضحلال چاره درد حرکت است یا سکون، نتیجه تمام افکار بعد از تصفیه بولتیک ژاپون معلوم خواهد شد

کتابه ص - ج - م - د

انسان و حیوان

انسان اشرف مخلوقات است بدون امتیاز قوم و طایفه، انسان قابل ترقی است بدون امتیاز مملکت و قاره، برای هر قوم و ملت اسباب نیل به مقام و ارتقاء بدرجه هر قوم و مدتی دیگر فراهم است. خلقت حیوان متفاوت است یعنی متناوت الطیبه خلق شده. شیز میدرد و اکثر حیوانات از او ترسان و از پیش او گریزان اند. انعام برای بار بردن و سواری رام می شوند. بز میترسد، روباه حیله میکند. دخل و تصرف انسان برای تغییر آداب و عادات حیوانات اسئل اگر اثری داشته باشد بسیار کم است. از این حجت گفته اند

(عاقبت گرگ زاده گرگ شود)

(گرچه با آدمی زرگ شود)

اگر گوسفند نمیتواند مثل سگ ایران فرمان
دن آموخته شود از آن است که این هوشیار
خلق شده برعکس آن، ولی آداب و عادات انسان
قتباسی است. ببارة اخری صوری و نه مادی و
عنوی، آب و هوا و نزدیکی کوه و دریا برنگ
رو و قوه و نیروی مدنی طبقات انسان مؤثر
است نه بر طبیعت و خلقت آنان، امتیاز ملل
مغرب زمین بر سکنه شرق و نفوذشان در تمام
آنان از جهت قوه ایست که از علم مأخوذ شده.
علم از کجا حاصل شده؟ از عقل، عقل را خلاق آن
در نهاد هر انسان موجود نموده. پس اروپا و
آسیا و افریقا همه با مساوی دارای عقل اند.
از این جهت سبب امتیاز یکی بر دیگری چیست؟
از چه جهت است که یکی سود میکند و دیگری
زیان بار میآورد؟ اینها همه از جهت اختلاف در
طریقه استعمال آن عقل است. هر قدر آنرا صرف
خیالات عمده و تحصیلات مزیده بر نوع انسان
بکنند بارورتر و قوی تر می شود. و بر عکس
هر قدر در راه کارهای دون و فایده های کم دوام
کوتاه نظراته مصرف شود ضعیف تر و کدرتر
می شود. می بینی فلان اروپا عقل را صرف فلان
اختراع جدید می کند، فلان آسیا آنرا صرف
فلان آلت نقاب می نماید، پس عقل صرف شده متها
در طرق مختلفه و لابد نتایج مختلفه هم خواهد داشت.
داناان عالم و عالمان بر موز سیاست بنی آدم در
تشویق این عقل برای اشتغال در امور مزیده بنوع
و منع آن از مشاغل مضره چاره بهتر از وضع و
اجرای قانون ندیدند. و نمالکی که پیشتر و پیشتر
باین جبل الملقین سعادت و فلاح متشبت شدند پیشتر
بمقامات سروری و سیادت ارتضاء نمودند. مملکت
ژاپون از مقام خراجگذاری و ضیف بمقامات
امپراطوری و اوج قوه بالا نرفت مگر بواسطه وضع
و اجرای قانون، امپراطوری ایرات از مقام
خراجگیری و کمال قوت بمقامات پستی و حضیض
ضیف پائین نیامد مگر بواسطه عدم وضع و اجرای
قانون. پس عدم وجود قانون و اجرا داشتن
و نداشتن آن موجب این همه جهل و ضیف و

موجد این همه علم و قوت می شود.

یک نفر بازاری اگر در صنعت همکار و همجراغ
خود فضیلت و برتری دید با تمام قواء در صدد
اقتباس آن بر می آید.

دولت ایران از تصدق سر قباہ های عالم و طالب
رقابان ام علی الخصوص سلاطین قاجار و بالاخص
ناصرالدین شاه در صورتیکه آنتاب علم و قانون
بوسط السماء درخشندگی رسیده و حتی سلاکتان
اقصاء اممک شال و جنوب و زنگیان افریک و
امریک از بر تو آن مستفیض و منور شده اند با کمال
بی دردی و بی حسی در گهواره ظلمت جهل و
بی قانونی ننوده نه آنکه قادر بر جنبش بست بلکه
خیال و جہدی هم برای حرکت نمیکند.

از اول گزندگوی مشروطیت در ایرات تا
روایوسینون اخیره (که چشم امید عاشقان ایرات
منور بانتظار انرات آن باز و روشن است) در
هر شهر و قریه و در میان هر طایفه و قبیله بلفظ
قانون و مشروطه معانی مختلفه حمل کرده هر کس
از آن اتخاذ معنی کرد بر حسب درجه علم (یعنی جهل)
خود و بروفق غرض و مقصود خویش. و غالب
این لفظ را آلت پوتیک شخصی و غرض نفسانی
قرار دادند که شرحش لازم بست و هر کس در
ایران بوده و با چشم بی غرضی دیده میداد. و
این اشتباه کاریها که موجب این همه هرج و مرج
و موجد این قدر ضعف و تعطیل شده روز بروز
در از دیاد خواهد بود تا اینکه مشروطیت و قانون
وجود خارجی پیدا کرده هیئت دولت و ادارات
مختلفه آن بر وجه صحیح بگردش در آید.

هیچ کس نمیتواند انکار کند اشکالاتی را که
در پیش روی کار گذاران دولت موجود است و
هیچ کس نمیتواند انکار کند اهمیت این موقع باریک
را که یک حرکت از جانب اولیاء امور میتواند
موجب هزار گونه بدبختی از برای آینده ایران
بشود و یا بالعکس باعث همه قسم خوشبختی و سعادت
برای این یکمشت محرومان از نور ترقی و تربیت بگردد
اهم تکالیف از برای وزراء حالیه که علمداران
آزادی و ترقی ایرات اند آلت که پیش از همه
چیز مابین طبقات مختلفه علی الخصوص میان عشایر
و ایلات آغای کاملی حاصل نمایند و چوسالاری که تمام

را میا است روح باثباتیزم (حب وطن) در آنها قائم نمایند تا بدین واسطه بتوانند با تمام قوای دولتی و ملکی استحکام قانون در مملکت بنمایند.

بدینی است ما دام که فغان و بملوت در میان ملت و مخصوصاً در میان قبایل ایلات موجود است دولت قادر بر هیچ اقدام از برای اصلاح و ترقی نیست و باید مثل سابق منتظر قوه خارجی و حاضر برای اقتادن در قید اجنبی و متحمل شدن همه گونه بی شرفی و بی ناموسی شد. باید هر قسم که ممکن است آنها را متیقن و ملزم سازند که بعد از این دولت و ملت وجود واحد و یک روح در دو بدن است. باید آنها بدانند که حیات ایران منوط بر یک اتفاق عمومی بلا استثناء است. مالیات اخذ نمیشود مگر برای اینکه در راه حفظ ناموس و شرف خودشان مصروف شود. سرباز و سوار گرفته نمیشود مگر برای اینکه در راه آزادی و ترقی آنان جان بدهد. دولت ایران باید اولاً هر قسم که ممکن است و کتر استقلال مملکت را در خطر بندازد تحصیل مایه بنماید و بدین واسطه بتوانند ادارات مملکتی و خصوصاً اداره دتای را مرتب نمایند و یک مرتبه دفع بی نظمی و رفع فساد از تمام مملکت بکنند و بعد از آن بکارهای دیگر پردازند.

این مطالب بر هر یک از اولیاء امور بخوبی مکشوف است و این را هم میدانند که اگر خدای نکرده مقضی المرام نشوند تمام زحماتی که در راه خدمت بوطن کشیده اند هباء منثورا و تمام خونهایی که در این راه ریخته شده هدر خواهد شد، امروز جنرال قونسول روس را قطع طریق کردند و تراقی کشته شد، فردا یکی دو بار امثال این قضیه تجدید شده آن وقت تکلیف معلوم است

تقریظ کتاب بومه عدرا

بهاطوریکه آثار عدالت در آزادی جن و مال ایرانیان فواید کلی دارد و آن قلبهای بسته یعنی اذعان ایشان را منتوح میسازد بهان طریق هم انتشار آثار علمیه و ادبیه را در میان آنها تشویق و ترغیب میدهد و این فیوضات نامتناهی یعنی کتب ادبیه را که وسیله روشن کردن اذهان و مایه تنبه و تیغ مردم میشود ترویج و تعمیم می بخشد

و از همین نکته است که همواره گفته باز هم میگوئیم که اصول مشروطیت و عدالت تبدیل دهنده تربیت و ادبیات است و ظلم و استبداد ماحی آثار فضل و معرفت، روشنی چشم ما از آنست که این قاعده کایه حالا در ایران روی بتأثیر گذارده و باطلوع نیر مشروطیت بعضی آثار ادبی هم از پرده غیب بمعرض شربود میرسد و همواره از درگاه آری استغناء و مسئلت داریم که اساس قانون عدالت را تشدید و تقویت کرامت فرماید و مستدام و بیدارش بدارد تا مالتبع این کابله مرده تربیت که در ایران کاملدم شده با تدریج زنده شود و مردم را از تنگنای جهالت برهاند

از جمله آثار ادبی که در فوق ذکر کردیم دو جلد کتاب بومه عدرا ترجمه و تصنیف جناب میرزا سید حسن خان صدرالمعالی مترجم محترم وزارت جلیله خارجه است. دو جلد کتاب مزبور در یک مجلد با خط و کاشی بسیار خوب و چهل و پنج صفحه تصویر کراوری از روی عکس، چند ماه قبل از طبع خارج شده و چون علاوه بر این که رومانی ادبی و اخلاقی و تاریخی میباشد بر ضد دولت مستبده هم سخنی میراند و قبایح اعمال عالم نمایان و مخربین شرع مطهر را تشریح میکند و شرح حال بزرگان و فدائیان و مجاهدینی که برای آزادی و حریت نوع و قلع و قمع اساس ظلم و استبداد جابازی نموده ذکر مینماید، بمحض اینکه خبر انتشار آن بسمع اولیای دولت ماله سابقه رسید فوراً او را توقیف و فروشش را ممنوع داشتند، زیرا (بطوریکه در اعلان راجع بفروش کتاب ذکر شده) یکی از خواص این کتاب آنست که هر مستبدی بکمرته آن را بخواند با اختیار قلب ماهیت کرده و مشروطه خواه میشود و در زمان نمانه استبداد بعضی از رجال و بزرگان مملکت ما که مبعاً آزادی طلب بودند هر حکدام دوپست و سیصد تومان بمصرف رسانیده نسخه قلمی آنرا از جناب مصنف و مترجم خواستار و در کتابخانه خود پیادگار گذاردند، قیمة این کتاب (بدون جلد) در سابق سه تومان و ششزار دینار بوده ولی حالا محض انتفاع عموم و هوشیاری فرزندان وطن از کایه منافع کتاب صرف نظر شده و ب سرمایه آن قناعت رفته در طهران بدون جلد

۲۳ قران و با جلد بسیار خوب فرنگی سازی ۲۶
قران و سیج و در سایر بلاد داخل و خارج اجرت
یست علاوه خواهد شد - محل فروش در خیابان
لاله‌زار در مطبع فاروس و در سایر کتابفروشیهای
تهران است .

معلوم است که ظهور و نشر این گونه کتب
مزیده برای زرتشت و امره و انحراف نذکت یعنی
مشروع حایان ، مرت و حمیت شار - بزرگ است
و هر آن که صاحب بردید دانش خود باشد از
حصول این مجید بیجا صرف در نخواهد بود
- مدرسه سعادت ، شهر ۱۳۲۶ -

صورت حساب یکماه سنه ۱۳۲۶ مدرسه سعادت
پوشهر اداره رسید و از وضع درستکاری و
مراقبت و کلاء مدرسه در ترویج معارف و ترقی این
اداره مهمه که در اهم اماکن سرحدی ما واقع
گردیده و مواظبتی که در جمع آوری وجوه مالیه
و عدم حیف و میل در آن نمودند مایه امیدواری
گردید خیلی مایه حیرت و تعجب است که باوجود
آن همه اعیان و اعظم و تجار معتبر این سرحد
اغلب اوقات مدرسه مقروض و در آخر سنه بانق
بر شصت تومان کسر داشته است ، و از جمع اسباب
و لوازم که اس اساس تربیت و تدریس است عاری ،
و بناء مدرسه در این مدت ده سال باوجود حضور
مؤسس و کوشش و کلاء آن در ادار خارج و
داخله تا تمام و ناقص بلکه رو بخراب و اهدام
گذاشته است ، تا بحال شنیده نشده که از اهالی يك
نفر با همت یک نفر با بیعت يك نفر محبت وطن دامن
همت بر کر زده بواقص آنرا سر جمع و اساس آنرا
مبیا و آماده ساخته نام خود را در عداد خیرین و
وحوزه محبین عالم انسانیت و معاون معارف اسلامیت
داخل نماید گذشتیم از اینکه رشته معارف و شعبه
مدرسه را در جمیع خایج امتداد داده باب سعادت
پروی خود و اخلاف خود مفتوح سازند تا از
جاده جهل و نفاق که مایه محو و استحلال شان
گردیده نجات یابند ، لا اقل همین يك باب مدرسه
که بمانند بسیاری از غیرتندان تا سید و تا بحال
آوات نیکو از آن مشاهده نموده اند برای تربیت
و ترقی اخلاف خود تکمیل و لوازم آنرا مرتب
گرداند ،

ای و کلاء محترم مدرسه ، شایعرا تا کنون
يك فکر صحیح يك تدبیر درست در علاج و رفع
نواقص آن نموده‌اید ، شما که نخواستید ابد از عهده
اداره نمودن يك باب مدرسه و تکمیل آن برآید
چگونه میتوانی ادارات مهمه دوائی و ملتی را در
تحت مراقبت و مواظبت در آورده آسایش و رفاه
خود و آنادی و عمرات و وطن عزیزتان فراهم
آوردید ، ما از مراتب زحمات شما که سرپرستی این
اداره را عمده از احتلال و برایش محوط و از
کنید دشمنان معارف که در صدد اسداد آن بودند
نجات دادید نمون و متشکریم ولی حیف است که
در این دوره بهمین حالت ناقص نهاده زحمات
خود را بی نتیجه و تحصیل محصلین را بی فایده و
نمره قرار دهید

مکتوب محکم و فاق ایرانیان مصر ۱۳۲۶

جشن ملی در مصر بمناسبت افتتاح ۱۳۲۶

مجلس مدرس شورای ملی

شیدالله ارکانه

بر حسب دعوت جناب مستنصر السلطنه وزیر مقیم
اسبق دولت علیه ایران در مصر و رئیس انجمن
وفاق ایرانیان در ضمن جشن افتتاح مجلس مقدس
شورای ملی شیدالله ارکانه - روز جمعه پنجم ذی‌قعدة
بقدر دو بیست نفر از اعضاء انجمن وفاق ایرانیان و
جمعی از اعیان و مدیران حراید مصری و شاگردان
مدرسه خیریه ایرانیه با موزیک مخصوص آن مدرسه
در عمارت ملکی جناب معلم له حاضر شده با روی
که چندین ساراست از کم همی مأمورین مستبد ایران
در مصر ایرانیها و مصریها در اعیان ملی ایران از
مشامده آن محروم بودند مجلس با شکوهی منعقد
شده جناب رئیس با بیان لطیف بمخاضین اظہار
تبریک و تهنیت نمود حصار یکدل و یکزبون بدعی
جاوید باد ابرائیل - پاینده باد مجلس مقدس
شورای ملی - زنده باد شانشاہ مصوم مشروطه
خواه - رطب انسان شدند

سپس موزیک مدرسه نشید ایرانی را نواخته
آنکه جناب ادیب آقا میرزا مصطفی شیرازی
قصیده فرائد انشا و پس از آن جناب آقا میرزا
مهدی خان زغیم الموده تدبیر روشنی ضمیمه نبرین

فریده (حکمت) با ایستاده خطبه بایی ایراد و
تسه از تاریخ مجد ایرانیان که در زمان باستان سر
هشق جهانیان بوده است بیان فرموده مجاهدات و
جایزهای ایرانیان عصر حاضر را به همت احداث
و اسلاف تطبیق نمودند و شیر مردان و سپهداران
و سرداران آذربایجان و گیلان و اصفهان را
به یککای و علم ستودند و نام محیبه مدرس که
در محافل و حرایب خرد نهان در اوقات عصر
به ایرادها تسلیم و در نام سر آفرین حوا
نموده اند اظهار سپاسداری کردند

پس جناب حاج میرزا عبدالعزیز مدیر حریده
فریده (جبرئیل) با عبارتی شیرین و بیانات عمک
زبان بشرح و بسط وقایع اخیره ایران کشوده آمان
را که در راه وطن پرستی داد سیرت را داده اند
برحمت و توحید ستودند و کسایرا که از پست اطرق
به اطباء اوار حریت کوشیده اند به نعمت وحدلان
یاد نمودند و ایران و ایرانیان را از این سعادت و
حوقیت تهیت گفتند

پس از آن جناب مستعمرالسلطه مجدداً قیام
فرموده وطن و اولاد وطن را مخاطب ساخته
به عبرت از ماضی و تمسک بحال و همت در استقبال
تقریب نمودند و با عباراتی که هر حرف آن در
صفحه دل و سویدای قلب جایگیر میشد عموم
ایرانیان را در اکناف عالم باعناق و وفاق دعوت
و بترک شقای و نفاق نصیحت کرده اظهار داشتند
که سه سال متوالی به فغخات انفاس مقدسه حضرت
آیات الله دامت برکاتهم که منتهر اطمینان کبریا و مهربان
توجهات حمیره حجت خدا هستند ملت محیبه ایران
بریده استبداد حکومت ظلمه را از خاک پاک وطن
برکنند و نغم عدالت سلطنت مشروطه را که مایه
قوام و سرمایه دوام احکام شریعت حضرت خیر
الامام است در آن سر زمین کاشته بحون شهیدای
شهریت آبیاری نمود و از حوضی سبکت و اسارت
بواج اعلائی سادت و سیادت ارتقا یافت ، الحذر که
از استمرار همت و غیرت ثناعت و ورزیم و باین مقدمات
فصمت ملت کنیم و این گنج را که هزاران زحمت
تقریب بدست آورده ایم بفرود موقوفیات حالیه از
گف بدر کنیم ، چه زحمت و خطرات نگاهداری
این ملت از مخاطب فاضل آن بهراتب بیشتر است

و رقیب حریص در جبر و خفا مشغول بود بازی
و طرح اندازی است ، اساس شورای ملی توت ناروی
مخامدین و احرار استوار شده لکن حط و ای
آن مانع و آمیزش مقدور و بعلم و دانش میر
تواند بود .

پس باید افراد ملت دست بدست داده مترتب
اولاد ، ووشند تا بواجب این همت حداداد آراتی
و براری و برادری را راحت قات و امیان
ار ناقب بدست احلاف صالحین بودیت سپارند و
نیک نداسد که قوه بعلم و ثروت بعلم و دیت بعلم
وسعادت ملت بعلم است . در حانیه کلام بیک اشاره
تمام حصار زبان بدعای بای دولت حاوید آیت و
ملت ابد مدت و قوه دین حضرت حتمی مرتبت
کشودند ، سپس جمیع حاضرین را در سفره مخصوص
بصرف شربت و شیرینی و انواع حلویات دعوت
فرموده تا بعد از مغرب از حاضرین و واردین با
کمال لطف بذیرائی میکردند و ایرانیان مصر و
از تمام هیئت رسمیه در اقامه اعیاناد مایه دل
آزوده و سر افکنده بودند شکوه آن مجلس
شادمانی در انظار یار و ایار کشاده رو و سرباد
فرمودند

ایضاً مکتوب از انجمن سود، گری

(ایرانیان در مصر)

سه شبه دوم ذیحجه سنه ۱۳۲۷ اعصای انجمن
سوداگری ایرانیان به سر جش و احدال شان
در منزل جناب آقا میرزا عبدالرحیم تاجر شیرازی
گرفته بجهت تبریک افتتاح پارلمان دولت علیه ایران
در طهران سه ساعتی بعد از ظهر از وکات سیاسی
دولت علیه ایران جناب محرابوراره مهران خان
وکیل سیاسیه و قوسل و سایر احزای قوسل خانه
تشریف آورده و حضرت اعصای انجمن استقبال
نموده و موسیقی سلام ایرانی ترم نمود ، بعد از
تشکرات و تبریک رسامه تقدیم شربت و شیرینی
بحضرات اعیان ایرانیان شد و بعد بمحمدصادق ایرانی
مع شاگردان مدرسه داخل مجلس شد و نشید
ایران و خطبه های عربی مبنی بدعا گوئی دات اقدس
شهریاری و ملت نجیبه فارسیه نمودند و بعد هم
محمد انندی ، حسن قزوینی و جناب سید حسن

خراسانی خطبه فارسی و عربی خوانده وکیل سیاسی هم جواب خطبه را نطق فرموده و مجلس بدعی دولت علیه و بتای مجلس شورای ملی ختم گردید
میرزا عبدالرحیم شیرازی (سگری)

اخبارات خارجیه

(طمس) لندن در مقاله مخصوص بحث بر دستور العمل قانون دولت چن نموده که از مخالفتی که در انجمنهای اضلاع بانسبه به دولت دیده می شود بنظر می آید استتاش مالا گیرد
§ (۳۰۰۰) اشرفی طلا بطریق تجارت از مصر به هندوستان فرستاده شده است

مخبر روتر از (بیکن) خبر میدهد که در تجارتخانه انگلیس خبر رسیده که بوجه اتم عمل ترک تجارت تریاک در اضلاع شمالی (بن بن و کانگتن) ترقی دارد - ولی در اضلاع وسیلی قدری و در (زیشون - سکون شو - شین سی) به بوجه پیشرفت نه نموده است

(مستر سید امیر علی) که سابق قاضی عدالت العالیة کلکته بود به عهده (بربری کونسل) حکمت تمیز لندن مقرر آمد

مخبر روتر از (بیکن) خبر میدهد که بموجب فرمان رسی (توپ فنگ) فرما فرمی (جیبلی) معزول شده چه مشار الیه عکس اجازه ملکه متونیه را برداشته بود - (مانچوچن کوئی لیک) بمده وی منصوب خواهد شد - ولی از این تقرری مردم راضی نیستند زیرا که (مانچو) ی مزبور برخلاف تبعه خارج و محبوب القلوب عموم بومیان هم نمیشد

در مجلس شورای ملی انگلستان (مستر بریل) ترمیمات مجلس اعیان را در مسوده قانون (آبریش) پیش نمود و اعتراض بر آن شد و مباحثه ملتوی ماند مجلس شورای ملی فرانسه بر مسئله (مرا کو) بحث نموده (مستر ییشون) از اتحاد دولت آلمان تمجید نموده و اتحاد بین دولتین فرانسه و آلمان را از اقدامات دولت آلمان بذرفته چنانچه ماتوش در اروپا ظاهر است

بموجب تلگرای که از (سیدنی) رسیده کمی ذغال مورت اضرار قشون و صنایع شده و هزاران نفوس را بیکار داشته کارخانه آجر سازی پاره بند

و از این دو دو هزار نفر بیکارند (مستر ایدمند موریل) از اعضای انجمن ترمیمات (کونگو) در (هل) ضمن نطق خود اظهار داشت که دولتین انگلیس و آلمان در مسئله (کونگو) متفق شده و یک کانفرنس معجله در این باب منعقد خواهد شد

بموجب خبریکه از رئیس انجمن معلوج سازی امریکا رسیده در ممالک جنوبی امریکا خرج بنده فیصدی بیست از سابق کم شده - در شهر (میلان) میگویند که مالکان کارخانجات متفق شده اند که هفته یک روز کارخانه ها بند نمایند

بسبب کثرت نفاقین مباحثه بر بودجه انگلستان در مجلس اعیان تا روز سه شنبه امتداد خواهد یافت رسماً اعلان یافته که این امر غلط است که دولتین آلمان و انگلیس در باره (سکونگو) متفق الرأی اند

انجمن تجارتی بر (چین) و سایر انجمنهای با وقت آلمان - تلگرافاً به (ارج بشب کتائبری) اعلام نموده اند که در (آلبرت هال) برخلاف انتظامات (کونگو) که شکایت شده بود متفق الرأی هستند اگرچه اراده حکومت ظاهر نشده ولی منظور است که پارلمان انگلیس در دوم دسبر منعقد نخواهد شد

اعلیحضرت (فردینند) پادشاه (بلقار) که بزم (صوفیه) رهسپار بود در (بلگرید) اقامت نموده اعلیحضرت (پتر) و ولیعهد و وزیر خارجه در استاسیون با پادشاه موسوف ملاقات کرده با کمال شوکت و جلال وارد عمارت سلطنتشان نمودند - از این استقبال شایانی که شده ظاهر است که افواه انتشارش (بلقار) که در اسلامبول رسیده بر اصل است

(دیوک و دجز آف کنات و برنس پتریکا) و برنس آرثر) در ماه جنوری سنه ۱۹۱۰ در (افریقای شرقی) جبهه شکار خواهند رفت و در ماه می سنه ۱۹۱۰ مراجعت خواهند نمود
§ ملاقات دوستانه (اعلیحضرت فریدند و پادشاه پتر) شروع شده این امر از اقدامات سفیر روس تصور می شود

§ اعضای کمیسیون بحری یا تجارت فوق العاده

دولت چین را خطابه‌های بسیار ساده من جمله پرنس سی سن (جی، سی، بی) امیرالبحرها (ک، سی، ام، بی) لاردرلی چنگ فونگ (جی، سی، وی و سر چنگ تنگ کنگچنگ (ک، سی، وی و) و اعلیحضرت پادشاه انگلستان بن (امریکا و چیلی) ثالث مقرر شده‌اند جهت انفصال نژادی که درباره دعوی (۲۰۰۰۰۰) لیرا که دولت امریکا بر دولت (چیلی) بابت رعایات معدنی که به کارخانه (السوپ) داده شده بود و دعوی می نماید

و اعلیحضرت پادشاه برتیکس از انگلستان رهسپار و در پاریس چند روزی توقف خواهند کرد و در کارخانه بنده (لیورپول) دو هزار بسته بیه ساخته است

و در انگلستان بسبب مخالفت مجلس شورای ملی و مجلس اعیان قیمت سندات استقراضی دولت انگلیس در (برلن) تنزل نموده است

و اعلیحضرت پادشاه (برتیکس) وارد پاریس و با رئیس جمهوری (فلاریس) ملاقات نمود و قشون اسپانیا در اضلاع (رف) سنگرمی بندند و بر مقاماتیکه قابض شده مستحکم می نمایند، و از تهاجم باز آمده عده قشون را متدوجاً که می کنند، کوه (اولانین) را (۲۰۰۰۰) (اسپانی) قبضه کرده و اهالی اطراف تسلیم شده اند

و بموجب خبری که از اسلامبول رسیده یکی از علائم سلطنت مشروطه بتازگی ظاهر شده یعنی، کپانی‌های تجارتی انگلیسی، فرانسوی، و امریکا اجازه تلنون داده شده است

و یکی از اهالی (الجیریا) به یکی از افسران فوجی هدف گلوله نموده، مثنون است که وزیر جنگ را نشانه نموده بود

و جهاز (دریدنات) آلمان (تهپورنجن) مخفیانه در (هریمین) بآب انداخته شد، تفصیل اسلحه و غیره جهاز مذکور اشاعت نیافته است

و اعلیحضرت پادشاه برتیکس با (میو براتید) و (میو پیشون) دیروز ملاقات کرده، دعوت رسمی ذیشب در (ایلبل سی) شد اعلیحضرت پادشاه بپول و رئیس جمهوری فلاریس جام صحت انگلیس و ایشاندند

و مخبر روزر از (برلن) خبر میدهد که بر عهدنامه آلمان و انگلیسی که متضمن قرار داد حدود (کاسکو و آندس) و افریه ای شرق آلمان است دستخط شد شروط عهدنامه تا کنون اشاعت نیافته مرقومات روزنامه (زیتنگ) تا کجا صحت دارد معلوم نیست اخبار مذکور مینویسد که بموجب این عهدنامه راه آهن (قاهره الی کپ) از داخله مصرات انگلیسی قرار داده شده امیر شود و اندازه مخارج بحری دولت فرانسه (۲۷۱) مایون فرانک است، ۲۷ مایون فرانک برای توجیه و شهریه فوج و تیره خرج خواهد شد

و (لاردر لندن) در مجلس اعیان انگلستان تحریک نموده که بطوریکه بودجه پیش کرده اند مجلس مذکور منظور نمیتواند کرد تا وقتیکه آراء رعایا آرقه شود، این تحریک بعد از مباحثه زیاد با (۲۵۰) رای برخلاف (۷۵) رای امضا یافت

و (رجستک) مجلس شورای ملی آلمان امروز افتتاح شد، ضمن نطق شاهشاهی از قانون اخلاقی تذکره شده، از امتداد مدت عهدنامه انگلیسی و آلمانی درباره (مراکو) که بر دو تین فراسه و آلمان مذاکره در پیش است بدان هم اشاره شد بود و بموجب تلگراف (مابورن) محصول گندم (وکتوریا) ۲۸ و نیم مایون (بوشل) اندازه شده که از آن جمله (۲۰) مایون (بوشل) قابل حل خواهد بود

و مطنون است مجلس ملی انگلستان دو سه روز بعد ملتوی شود

و تلگرافی از (توکیو) رسیده که امیرالبحر (توگو) منجلاً از خدمات بحری دست خواهد کشید و از اعضای شورای عسکری مقرر خواهد شد، و بجای وی نائب امیرالبحر (اجوئین) منصوب خواهد گردید

و در مجلس شورای ملی (مستر اسکویت) رئیس انوزرا اعلام نمود که اعلیحضرت پادشاه انگلستان تعطیل مجلس ملی را منظور نموده اند

و بموجب خبریکه از (واشنگتن) رسیده ظاهر می شود که حکومت امریکا تذکره به وکیل کل (نیسا) را گو) داده ضمناً مکتوبی که نوشته در آن (زیلایا) را نسبت به شکنجه امنیت دولت و مات داده و

طالم نوشته ، دولت امریکا عذر (زیلایا) را پذیرفته
ولی مردو جماعت را مقصر به نقصان رساننده بر
اعراض دولت امریکا داشته است

کابینه وزرای (ایتالی) استعفا داد بسبب اینکه
کیسیون منتخب شده که برخلاف مسوده قانون
انعام مالی است

جهازات جنگی امریکائی (نابو - البینی - و
پارک ناون) را حکمرفس به (ناکراگوا) داده شده
محصل گندم جنوب (استریلیا) را اندازه نموده اند
که ۲۰ میلیون (پوشل) زائد خواهد شد
مجلس ملی انگلستان ملتوی شد

اعلیحضرت پادشاه انگلستان ضمن طاق خود
انبارداشت دوستی من با جمیع دول تا کنون قائم
است ، دولت مشروطه عثمانی دارد ترقی می کند ،
مصارف ملیه که رو بترقی است جهت اصلاح آن
جلسی برقرار داشته بودم خیلی تشکر از این دارم
ولی تمام انتظارات بیکار گردید

از ورود پادشاه منبول خیل مسرور هستم و این
ملاقات مورث مزید اتحاد دواتین انگلیس و پرتگلیس
شد ، جهت انعام حکومت دهند و عده اعضاء ای
قانون سازی و اختیارات آن قانونی تقدیم و امضا
رفته و در سال آتی مجالس قانون سازی جدید با
عبد داران آن برقرار خواهد شد ، من امیدوارم
که رعایا انجام این امور را بمساعدت افسران من
خواهند داد تا مورث استقلال سلطنت شود

ترجمه از روزنامه کیسیون

(اول نومبر ۱۹۰۹)

(پواتیک خارجه)

چون کان می کردیم که از مستبدین بدکار که
دور محمد علی شاه را گرفته بودند خلاص شده ایم
حکومت جدید ایران آنها را از مناصب خودشان
متصل و تبعید کرد و چنین بنظر می آید که به
احسن وجه آنها را از خود دور ساخته اند ولی
از قیام معلوم این اشخاص که سر کرده آنها
امیر بهادر مشهور می باشد مشغول تعاقب افساد
سابقه خود در اروپا است و معلوم است
در وینه که محل برگزیده مستبدینی است که در

آنجای اینک بناشده شده اند و همه قسم محبت را
می یابند ، بهیچ وسیله ما نمی توانیم دولت اطریش
را از اینکه بآنها بناء ندهد مانع بشویم و محقق
امیر بهادر در آنجائیکه (بارون روش) (این
شخص مستبد و امیر بهادر اطریش است) حکومت
(کروالس) را دارد می تواند با کمال فراغت
بال زیست نماید ، باوجود این لازم است که بواسطه
اسناد عیدیه رسی محقق میدکم که این وزیر جنگ
سابق محمد علی یکی از دستوره های بزرگ
(سودتای) خون آلود ماه ژون (۱۹۰۸) بود
چه جور آدمی است ، بیست سیم نومبر وزیر مختار
انگلیس در طهران بعد از مذاکرات باشارژدافر
روس تلگرافاً بلندن پروگرامی را که بعد از
مشاوره فیما بین شده بود و این مضمون شروع میشود
فرستاد (خواستن عزل صدر اعظم و امیر بهادر
که علت عمده پواتیک استبداد شاه میباشد)
بیست هشتم ماه مارس مترجم سارت انگلیس
می نویسد (که شاه هنوز در باغ شاه با اطرافی های
مستبد خود که سرده آنها امیر بهادر میباشد اقامت
دارد) هشتم ماه آوریل کابینه روس بسفیر انگلیس
شریحی که باین مضمون شروع می شود می دهد
(که اولاً دولت روس و انگلیس جدا و فی الزور
استغای امیر بهادر را می خواهند و مقصود از
استغای این شخص انفصال او از تمام امورات
است ، بیست دویم آوریل وزیر مختار روس وانگلیس
در طهران این محکم را بشاه می کنند که ظاهراً
قبول و به برپا داشتن مشروطه قول می دهد ، ولی
کار از کار گذشته بود و چند هفته بعد از آن
آزادی طلبان ایران این شاه و وزیر بدفطرتش را
که تا آنوقت با آن بود از ایران بیرون کردند

این است اجمال شرح حال این وزیر قدیم که
مطبوعات اطریش باین درجه او را محل ترحم بقلم
می دهند امیدواریم که اگر امیر بهادر خیال داشته
باشد افساد خود را در فرانسه و انگلیس و یا در
روسیه دنبال نماید بدون تردید دواتین راه سرحد
خود را باو نشان خواهند داد و آن را نیز
خودشان خواهند راند

• (ترجمه از روزنامه (سپیل) منطبعة پاریس) •

(مورخه غره نومبر سنه ۱۹۰۹)

(مستبدین ایرانی در اطریش)

از قرار معلوم چند نفر از اشخاصیکه دور شاه قدیم محمدعلی را گرفته بودند و بواسطه خیالات فاسده و متبده خود باعث خلع او گردیدند حالا در (وینه) پناهنده شده اند. یکی از روزنامه‌های آلمان در (وینه) بتازگی خودرا مکلف بر اظهار ترجم بحال آنها دانسته وی نویسد که آنها تماماً از امتیازات خودشان محروم هستند دیگر نمی توانند به مملکت خودشان مراجعت نمایند

خوباست ما هم متذکر شویم که این اشخاص مدتی است که میبایست از طهران دورتر باشند (اگر به صالح روس و انگلیس کسی گوش داده بود) و آنکمی حالا هم در واقع از مشتمات بزرگی که در حق آنها بملت نصیبات در حق البشری می بایست مجری بشود جان بدر برده اند، چون پس از وقت گریخته در سفارت‌خاهای خارجه بست بسته بودند، پس این مقصودین نباید از فی شدن و از محروم گشتن از القاب و امتیازات خودشان اظهار عدم رضایت نمایند، زیرا که این سیاستها با آن همه مشوایت ها که بگردن آنها است خیلی جزئی است، از مد نظر دولت اطریش دور نخواهد شد که برای آسودگی ایرانی ما و برای نرجبایدت سایر دول بهتر است، نباید بگذارد که اطرائی‌های شاه قدیم وینه را مصدر افساد خودشان قراردادند و در آنجا حمایتی که برای آرت بکلی ناشایسته هستند پیدا بکنند

• ترجمه از روزنامه سپیل •

(هفتم ماه نومبر)

(ایران)

(دسایس یک نفر شاهزاده ایرانی در پاریس)
هفتم ما (ماری ژورنال) امروز صبح تلگرافی را از وینه منتشر کرده مبنی بر اینکه یک از شامرادگان ایرانی میخواست بواسطه یکی از وکلایش در مطبوعات اروپا همه برپا و بر علیه دولت حالبه ایران کار بکند بطوریکه روزنامه‌های اطریش تا حال کرده اند گویا مقصود شان بی اعتبار ساختن دولت ایران و

تهدیه اسباب جلوس شخص تحت سلطنت اوست بدون اینکه از بی فائده بودن این نوع خیالات و تقصیر شامزاده حرف نزنیم و یا اینکه از کم و کیم و شخصیت وسیله که بواسطه آن این کارها را می کند چیزی نکاریم (اگرچه می دانیم که مقصود از این شخص یک نفر روزنامه نویسنده فرانسویست) بقیده ما چیزی که باید فوراً کرد این است که نکته دیک را خاطر نشان نمائیم

شامزاده که گناه های کبیره اش تا قیام قیامت راه تحت سلطنت را بروی او بسته است و دولت روس و انگلیس او را مجبور از حرکت کردن از ایران نمودند اینک حالا در پاریس است و می خواهد رفته زمستان را در (پاریس) بگذراند از قراریکه معلوم میشود گویا متصل در بین مذاکرات تکرار می کند که فرانس مملکت آزاد است، ما در این صورت خوب است رفع اشتباه را بدون تاخیر از او مکیم دولت فرانسه هرگز نمی تواند راضی بشود بر اینکه در مملکت او نسبت به تقصیر از برای دول خارجه گرفته شود و مرض بونتیکی که محل تصدیق دولتین روس و انگلیس هم شده است رفتار نماید شامزاده نمی فهمد که او را در این صورت رده از سرحد فرانسه بیرون خواهند آورد، اینک آنچه می تواند بوقوع برساند، ما به شامزاده نشان دادیم که اسباب احتیاط خود او و همقطاران او بشود

• (ترجمه از روزنامه (ان) منطبعة پاریس) •

(مورخه غره ماه نومبر سنه ۱۹۰۹)

(درباریان قدیم پادشاه ایران)

همه کس می دانند که بعد از خلع محمد علی اشخاصیکه دور او را گرفته بودند مجبور به مهاجرت از ایران شدند و در آنجا دیگر اقامت شان تیرمکن بود چرا که این اشخاص تا دقیقه آخر طرفدار پواتیک استبداد و خودشان را از حرکات بد خود مشهور نموده بودند این اشخاص که بزرده نژاد و در جزو آنها وزیر جنگ قدیم حسین باش خان امیر بهادر جنگ است، االبشان حال در وینه که سابق هم از ایرانی های متبده پذیرا میگرد هستند مقصود این اشخاص از اقامت آنجا تقنین و خیال واهی در برقراری حکومت سابقه است

دوات ایران لازم دید که در این موقع رسماً اعلان بکند که امیر بهادر جنگ و هم مسلکانش از مناسبت خودشان منحل و از استعمال آنان محروم و از مقام خود منزول و تبعید هستند، و بنا بر این ادا نباید اظهارات آنها را قابل اعتماد و اعتبار داشته و وقتی بر آنها گذاشت و نگذارند که پایتخت های اروپا را این قبیل حین ها مصدر فتنه و فساد خودشان نسبت بدو متشروطه ایران قرار بدهند

— ترجمه روزنامه استندرد —

(۱۵ نومبر)

مطبوعات ایران که بعد از بلوای جدید دارای انبیتی وافر شده انعقاد مجلس مبدومان ملت را تبریک گفته و توفیقات و تائیدات آن را مسئلت کرده امیدوار چنانکه نتیجه مباحثات ایشان مایه تیان حراحتیکه بهیچل وطنشان رسیده بشود، با دل تا-وتأثر ملاحظه میشود که درمیان جراید هفتگی و روزانه يك نامه بسیار نفیس یومیه (جبل المتین) غایب و نابود گردیده است

جریده مزبور را یکنر جوان مهذب بسیار دکی اعنی میرزا سید حسن اخوی مؤیدالاسلام مدیر جریده هتکی که دارای همان اسم و تقریباً بیست سال قبل در کاکته تاسیس شده است مرقوم میداشت که هر دو برادر بهضت اصلاحی و حرکت حریت طلبی ایرانیان خدمات شایان کرده و فداکاریهای ذقیمت فراوان نموده اند و بعد از انهدام مجلس که در ماه جون ۱۹۰۸ بوقوع رسید جبل المتین کلکته فقط ب واسطه بود که بدان ذویه ملتیان ایران شبات و تطلهات خودشان را نشر و اشاعه میدادند و بمجردیکه ایران شروع کرد لذاید مشروطیت را بچشد و از تجربیات قانونی بهره ور شود اخوی مشاریه یعنی میرزا سید حسن بن-ای نشر یومیه جبل المتین در طهران گذارد و حقیقتاً جریده مزبور بهترین روزنامه های یومیه بود.

بعد از هدم مجلس میرزا سید حسن مجبور شد که با سایر منین از وطن خود مفارقت کند و حتی از خارجه هم جبهه برانگیختن احساسات ملت خود و تجدید حیات مشروطیت بذل کمال مجاهدت و معاونت نمود و همینکه رشت بقبضه ملتیان افتاد مشارالیه فوراً بدانجا شتافت و نامه یومیه خود را در تحت

همان اسم اصلی انتشار داد و وقتی که ملتیان بطهران آمدند جبل المتین یومیه هم بدانجا آمد

این مراتب فوق يك تاریخ مختصری از سوانح عمری میرزا سید حسن میباشد ولی با وصف آن فقرات انجمنت خواه بیور و حریت طلب ما جوهر، حالا تحت مجازاتی است که محکمه بر او وارد ساخته، چرا که مراسم نظام واضح الباره را در جریده خود نشر داده که بویسنده آن مراسم در خصوص علل و اسباب تنزل ایرانیان سخن رانده و آن را بهجوم اعراب و نفوذ تازیان مسوب داشته است، آراء عمومی بر این میباشد که در حق میرزا سید حسن سوء استعمال عدت گردیده است، امید می رود که حکومت ایران که تا کنون افهانش مستوجب ملامت نبوده و فضالت و دکوت فراوانی را در تمام عملیات خود اراز داشته طریقی را بدست آورده و قنوانی که در حق این شخص کم صالح شده تبدیل و تغییر دهند

جبل المتین

ما از همدری روزنامه استندرد و قدر دانی که ازین اداره ملی نموده کمال تشکر را داریم و بیش از آنچه تصور بود جرائد خارجه درین موضوع اظهار تأسف و همدردی نموده این نیست مگر از حسن قدر دانی آنها که معنی خدام وطنی را شناخته اند، و از همقلان ایرانی هم رنجیده نیستیم که (سواى روزنامه حکمت) زبان حق گوئی نگشودند زیرا که از عقال خامه شان بخوبی مطلعیم

ما با یکصدای عالم رسا، ملت محبوب خود را که هواداران این اداره اسلامی اند اطمینان میدهم که (چنان بنمانده چنین نیز هم نخواهد ماند) دامان اعضای این اداره را که بیست سال است در مجبوحه کفر و دهنه چین بیرق اسلام پرستی بلند کرده و بهمدار اتحاد اسلام نامزد شده دشمنان بلوث حمله بر اسلام ملوث نتوانند نمود و غنقریب به بهترین صورتی کشف این حقائق خواهد شد و بر طالبان ظاهر خواهد گردید که هنوز بول امین السلطانت دارد بر مخالفت جبل المتین کار میکند، دو مرتبه نیز در دوره مشروطیت بول امین السلطانت یومیه جبل المتین را توقیف نمود، این مراتب بماند تا بموقع خود، چیزیکه فعلاً و غیبه ما میباشد این است که

بر طالبان مدلل داریم که بر طبق قانون عدلیه تقبیح محاکمه میرزا سید حسن شده بدلائل بسیار که برخی را محکم محترم ما روزنامه حکمت تا درجه زحمتش را از دوش ما برداشته است (که فعلاً تقبیح آرا مدالیه بوقت دیر میگذاریم) نیز با کدامی میرزا سید حسن است از شهر ماه شش یومیة طهران - ساکت ما درین موضوع فقط رای این امر بود - رای مقام منبع ریاست روحان اسلام را معلوم کنیم بایسته نعمت الله آنچه اید معلوم شود - چنانچه در دستخط مبارک حضرت آیة الله مارندران **که** بحضرت مستجاب نمیشد آقای آقا شیخ محمود اخوی شان نوشته و دید سراجاً اشاره به عدم کتاه میرزا سید حسن ندید بود که ما عیناً آن جمله هارا درج می نمایم

عن عبارات دستخط حضرت آیة الله **که**

(مازندرانی)

در فقره آقا میرزا سید حسن حقیر آنچه از زمة سفارش بود بمصادر امور نوشته بلا واسطه مع واسطه کوتاهی نکرده ام انشاء الله عاقبت ختم بخیر است . بجناب آقا سید جلال الدین مدیر جلال المذین بسم الله تعالی سلام رسانیده و بگواید بگرا نباشند ری بود بواسطه بعضی جهال اعان اتاد



ازین جمله معلوم گردید که در پیشگاه مقام منبع است روحانی میرزا سید حسن تصور وار نبوده است ورنه حضرت آیت الله سفارش او را نمی فرمود . این نکته بر طالبان فاسر میدارد که در حق زرا سید حسن اعمال غرض شده و تاکنون نیز باض حکم فرماست که کشف حقیقت شده و یقینیم عنقریب کشف این حقایق را مجلس مقدس امد فرمود وخیل نزدیک رسیده است آن موقعیکه المذین هم کشف این راز سر بسته و معمای لایحل به نماید (ولا حول ولا قوت الا بالله)

قابل توجه و ملاحظه مجلس شورا **که**

(و کبرای ملی شید الله ارکانه)

(و وزارت امور خارجه دام اقباله)

بیت قضایی و مروری و استحکامات طیبی داده بندر چهار علاوه از آن است که بتواند

بازرگانی اجازه نظر دولت اخیری میدهد این

مرکز مهم بوده و میباشد و اول بدر معتبر سرحد نمانکت است - ولی حی افسوس ایست که از چندی باطرف آنچه ملاحظه می شود نبود و روح دولت همایه در تزیاید است به قس که اهالی آرزو می کنند بر وسیده باشد خود را بسته باشند نباید . زیرا که زما اختیار حاکم و کارگذار را در دست خود گرفته اند - این هم دست ما از ملاحظه می مصادر امور که در چاه سرحد می بینیم در مأمور دولت ندارد نه نام حقوقی دولت باشد و بخواهد جواب بدهد و مانع نبود قوسلات خارجه شود -

کار گذاری بدر عباس با مصباح دیوان می باشد که نائب الحکومه این بدر مهم هم هست اداره حکومتی و کار گذاری بک حاشیه است - هر چند مشارالیه بخواهد جلوگیری از نبود ایشان نباید قوه ندارد زیرا که علم ندارد و مرعوب هم هست که اگر قوسل محاشیه باشد از کار گذاری حلع خواهد شد لا علاج است که تیل و رضاه قوسلات رفتار باید و محض ایسکه ملت مرعوب بچاره نیز نتواند مذاکره و اظهاری نماید هر کاری هم **که** طرف تبه حرج باشد اول او را به قوسلحاه روانه نموده می گوید رسامه خط از قوسل بیاورد و آن خط را سند خود داشته بی صاحب تبه فلك زده ایران نیز بتلاشه خط قوسل سکوت نموده و او را حال مایشاء میدادند تمام اینها ناشی از بی علمی مأمور دولت و نادانی رعیت است - و تا اندازه رعیت نیز حق دارد زیرا که از روزی که جنم باز کرده این اوصاع را مشاهده نموده میگویند در مقابل خارجه حرف می توان زد - هرگاه باین قرار نفوذ شای زیاد شود دیری نخواهد گذشت که فاتحه بادر جنوب را باید خواهد دواى این درد بسته بنوجه مصادر امور می باشد که بک نفر کارگذار عالم دانا و مجرب عالم بمحقق جبهه این سرحد مهم روانه دارد که بتواند جواب قانونی به قوسلات خارجه بدهد و نیز حکومت در امورات که طرف تبه خارجه باشد بکلی دخل و تصرف نه باید مگر باذن واجازه کارگذاری و شاید بدینوسیله بتواند

جلوگیری نمود

مکتوب ار بندر عباس

بر حسب خط يك نفر از وطن خ. امان محترم
 ترست شده که یکی از وطن خواهان طهران
 سگشته بود يك حاکم تربیت شده وطن خواه کارکن
 از طهران مامور خراسان شده جهت تربیت
 و تشکیل و تنظیم اداره ایالتی از قبیل عدلیه -
 نصیبه - مایه - جنگ - بلدیہ - انجمن ایالتی وغیره
 و بموجب اخبار آن وطن خواه محترم که او را
 بحون می شناسم امید است از بین توجه ترتیبات
 درستی در آن ایالت بدهد که مانند یکی از ایالات
 دول مقصدن منظم باشد .

ولی متاسفانه عرض می نمایم و سبب را نمی دانم
 که بجهت اولیای دولت اند مدت و وکلای ملت
 عطف نظری بسوی جنوب و بنادر خلیج فارس
 و سرحد مهم مملکت نمی فرمایند که اهالی این بنادر
 هنوز از مشروطیت بجز اسم بوئن نشیده اند و
 تا کنون اسیر دست استبداد می باشند که میتوان
 گفت . از استبداد سابقه علاوه و بهتر می باشد
 و لازم به تشریح نیست - زیرا که بدیهی است
 قلب ماهیت نشده و برگرداندن طبیعت تیرممکن -
 حکامی که عمر خود را در استبداد صرف نموده اند
 ماینکه اظهار مشروطه نمایند هرگز بقانون مشروطیت
 رفتار نخواهند نمود . حالت توبخانه بوشهر و
 بندر عباسی سواى اسباب افتضاح و مضحکه چیزی
 دیگر نیست - ارقورخانه وغیره اسم و رسم در میان
 نه - توبیخی از نرسیدن حیره و مواجب در فریاد
 و فغان و مواجب شش مله ایشانی نرسیده -
 سراز از گرسنگی مشغول فعلکی و حالی - اخذ
 و دریافت حکومتی هر قسم میتوان گفت زیادتر از
 ر - استبداد است انجمن ندارند - نظمیه ندارند -
 بییه ندارند رسیدگی بامورات نمی شود - کیسیون
 جنگ نیست بالاخره هیچ نیست - سواى ظلم و استبداد
 هرگاه رای اولیای دولت و امنای ملت قرار
 گیرد و عطف نظری بسوی بنادر جنوب که اتصالاً
 محط تنگر جهازات جنگی و تجارتی اجنبی و محل
 عبور و مرور دعاوی خارجه و سیاحتان میباشد
 فرموده يك از عمده از جوانان اجرار تربیت شده

طلب با غیرت و محبت جهت تربیت امورات بنادر
 جنوب روانه فرموده از روی صحت عمل اقدام
 درکار و مملکت را در نظر بسکانه آراسته از ذلت
 و خواری رهائی دهند بسیار بجا خواهد بود و
 خیلی واجبتر از امورات داخله میباشد - زیرا
 که نظم و امنیت و استعداد در سرحد مملکت
 لازم تر از داخله است و بواسطه بی تربیتی و بی
 نظمی سرحد مملکت و نبودن مأمور گانی از قبیل
 انجمن ولایتی و عدلیه و نظمیه وغیره و نبودن
 کارگذار قانون دان کامل بمقتوی بین الدول و حکومت
 با انصاف

مکتوب عربستان

ایالت جلیله حاجی فخرالملاک قریب بیست روز
 است وارد شوشتر شده اند یکروز پس از ورود
 مشغول تربیت مجلس و انجمن شدند و نفسی کمال
 سی و اهتمام را دارند که بجز عرض کنم مخصوصاً
 آقا زاده ایشان که جوانی هستند بسن بیست سال
 و روز تا شام مشغول به رسیدگی عرایض مردم
 و انجام کارها اند و کمال دقت را هم میکنند مخصوصاً
 چند روز قبل سوار زیادی از سکوندها که مدت ها
 بوده مشغول تاخت و تاراج از قافله و عابرین بودند
 ده سر را مقتول کردند و ده نفر را دستگیر
 اهالی عربستان کمال تشکر را از ورود ایشان دارند
 و نهایت خوش وقت هستند . تداً وکلای که بجهت
 طهران معین شده از این قرار است - جناب آ
 سید محمد ناصر ادیب شوشتری با کثرت تامه منتخب
 شدند و جناب حاجی سید علی شوشتری مقیم طهران
 با کثرت آراء وکیل عربستان معین کردند

اخبارات و واقعات لار

سید الله خان امیر نجف حاکم لارستان مشغول
 نظم و وصول مالیات و استرداد اموال منہوبه وغیره
 میباشد شهر و توابع و طرق امنیت کامل پیدا
 نموده عبور و مرور قوافل با حسن وجه از لار
 الی بندر عباس و از لار الی شیراز میشود عموم
 اهالی آن صفحات کمال تشکر و امتنان دارند
 (بندر عباس) بر حسب خبر صحیح که رسیده
 بعضی از اشعار که در سابق نیز مضمون شہر است

شمیلات و توابع بندر عباس اقدام و از دادن
حالیات سرباز زده استعداد قوه دیده اند و ده یوم
قبل در دوازده فرسنگی بندر عباس از طرف
مشهور به (کوشکوبه) جنگی فیابین کلانتر و رعایا
واقع یک سر اسپ از طرف کلانتر کشته شده
جناب مصباح دیوان نایب الحکومه بندر عباس پرورد
ایمیر استعدادی دیده محض نظم و رفع اغتشاش
رواه شده امید است که بزودی رفع قائله شده
مجدد اسباب زحمت فراهم نیاید - بموجب خبر تلگرافی
جناب آقا سید عبدالحسین تاریخ غره ذی قعدة وارد
شیراز شده اند

(بستک) محمد تقی خان صولة الملك مراجعت
به بستک نموده است و هرچند از طرف مشایخ و
اصحاب مدد و حمایت و امکان مؤاخذة و جنگ ما
مدعی های خود داشت اما بملاحظه اغتشاش داخلی
مملکت که اسباب زحمت اولیای دولت فراهم حوامد
آمد و آخر منجر به اختلاف گله میشد تکلیف و
رای مصلحین را قبول نموده اقدامی در تقاص نه
نمود و واگذار باولیای امور و ایالت جلیله فارس
نمود ، امیدوارم ایالت جلیله نیز تقاص نموده اسباب
آسودگی عموم را فراهم آورند (م . ع)

طهران

(۲۶ شوال ۱۳۲۷)

(وقایع نکار ما)

پارتیهای مختلفه خاصه پارتیهای مستبدین مشروطه
با یک حال بجرانی در جمیع طبقات نمودار داشته
واقعه اردبیل و اغتشاشات فارس و ما امنی - ایر
نجاوزات همایکان و یک کلاغ جهل کلاع
عوام کالانام کاهی را کوهی و قطره را دریائی در
انظار جلوه میدهند آنچه دامایان می بندارند علت
این واقعات دو امر است

اول - باغیان سیاسیون مرعوبیت بجران را
چندان امتدادی نماند ، مصادر کم تجربه ما اینکه چند
فر را مصلوب نموده و مرعوبیتی در قلوب دیدند
عفو عمومی صادر نموده قبل از آنکه قوای خود
را کامل و مشروطیت را تضحیح دهند بفقو عمومی
مرعوبیت بجرانی را از قلوب سرجنابان مستبد
زایل ، ملاحظه می نمائید که بجز تر آنکه بیماری از مستبدین
بسیار است و اینها را در این خیریه آورده و آنها هم بلا

دغدغه خاطر سرآ و علناً بنای اغتشاش کاری را
گذارده در بازگشت دوره اولیه قدم میزنند و حال
آنکه تا یک سال کامل لازم بود این مرعوبیت را
در بلدان جاری دارند ، یعنی ماهی چند نفر را در
مرکز و زوایای مملکت سزا دهند و مصلوب دارند
واجب اقتل و مستوجب سزا باندازه بود که تا ده
سال هم میتوانند به تدریج مرعوبیت را در قلوب
برقرار دارند تا رفته رفته قوای دولت حدید
تکمیل پذیرد و کسی مقتدر بر جنای نشود ،
شکست تر آنکه در شمال و جنوب و مشرق و
مغرب مملکت هیچ اقدامی در مرعوبیت اهالی نشد
و جمیع حائین بدون اینکه دره نقصان بینند یا موئی
از سرشان که شود شامل در عو عمومی شدید

اما همسایکان که تکلیف عفو عمومی با نمودند
نقش خود را در آب ملاحظه کرده اند چنانچه انقلاب
جنوب و شمال و اقدامات آنها دال بر این امر
است و این بزرگترین سهری بود که مصادر امور
نمودند و تیری هم هست که از شست رها شده
خصوصاً که حکم مقام منیع ریاست روحانی اسلام
هم صادر گردید ولی با این همه نمیتوان از کبیر
مرتبگی جنایات چشم پوشی کرد

دوم - مراعات دوستانه که مصادر امور بعد
از عفو عمومی روی کار آوردند ، این موضوع باندازه
کسب عمومیت پیدا نمود که میتوان گنت خدمات
دولت بهمان اصول سابق برقرار مانده و کتر کسی
است که از روی استحقاق بخدمتی نامرد شود و
غالب من اشخاص که پدر در پدر باسم استبداد
برگردن آرزو سوار بوده و فعال ما پرید بودند
حالا امر سبب گردید که تا درجه
بیر مصادر امور اختلاف بید آید و هر کدام حتی المقدور
برای فوت خود و زمین زدن طرف مقابل خویش
بستکان خود را روی کار آورد این مراتب یک مرتبه
رفع مصادر امور را از قلوب خودی و بیگانه
دور بردیک زایل ساخت

مستور المی وزیر مالیه چویش بزرگ ترین
ذمه دار را داراست چندان با خیالات سایر وزراء
همراه ندارد بلکه بیشتر مخالفت مینماید ، مثلاً سردار
اسعد از دو ماه باین طرف یک با ایستاده که بجز
سویلا دست استقراضی شده و فکر پولی برای دولت

به نماید تا جایکه چندی قبل فرمودند « اگر تا دوسه یوم يك کروړ پول بدستگاه دولت نیاید همه کارها میخواند » بعد از تنقیح بکصد و پنجاه هزار تومان لازم دیدند و خواستند که حصه از جواهرات سلطنتی را رهن گذارند پول بگیرند وزیر مایه عاقبت آتازید و زیر بار این مسئولیت نرفت

با سپه دار اعظم وزیر جنگ و رئیس الوزارا هم در سر پول برای فرستادن اردو به زبجان و اردیل اختلاف کیه واقع گردید. وزیر مایه مکرر خواسته استعفا دهد و حرفش این است که وزارت مایه جز يك نجات و دفتر داری پیش نیست ، عجب وضعی است قبل از آیسکه وزرا بن خود تصیة تدارك پول به نمایند و راه دست آوردن او را معین کنند چگونه در کمیسیون عالی مشته استقرار را موضوع بحث قرار میدهند. این مراتب دست بهم کرده مملکت را بحال امروزی دوچار نموده است. همایکان هم که در صدد موقع هستند وقت را شصیت دانسته از یکطرف مر اقدامی میخوانند می نمایند و از طرف دیگر در انداختن اختلاف بین مصادر سعی اند

من همین قدر میگویم که سرنوشت آینده ایران بسته باختلاف و اتحاد ایرانیان است و اتحاد و اختلاف ایرانیان هم منوط بانحاد و اختلاف مصادر امور و وکلای ملی است هرگاه اتحاد بقسی که در ابتدای امر بن مصادر امور جاری بودی تا کنون ماتی می ماند هم کارها خیلی پیشرفت میکرد و هم این انقلاب کثونی پیش می آمد و این پارتیهاسکه امروزه سرأ و علناً در طهران نمودار است تشکیل نمی یافت حرف خیلی است که هنوز موقع زدن آن نرسیده است

دائیان راه چاره را منحصر درین دیده اند که هر قسم باشد عاجلاً مجلس را افتتاح نمایند از يك ماه باین طرف صدها همه و بنا درکار تعمیر و اتمام مجلس اند. غرض ذیقده بیمنت و مبارکی مجلس منعقدخواهد شد هرگاه مجلس مقتدر بر رفع اختلافات بن مصادر امور گردید و وزرا و وکلا دست بدست هم داد از صمیم قلب در اصلاحات بکوشند البته مایه امیدواری تواند شد و اگر خدای ناخواسته خلاف این ظاهر شود وای بحال این ملك و ملت

بقول یکی از سیاسیون خارجه آخرین تعمیریکه ما در ترکس داریم افتتاح پارلمان است و اگر پارلمان عاجز از رفع این انقلابات شد بدون شبهه ورق بر خواهد گشت

مشکل این است که رجال بزرك ما که مایه هراگونه امیدواری این ملت مظلوم بوده هستند یا خود امیدوار به بقای این ملك و ملت هستند یا بکلی دارند سهو مینمایند ، که کار باجنا کشیده که مستبدین بی آزر در حق آنها میدگویند که یکی خود را بسنة بروس جلوه میدهد دیگری خویشتر را باسگیس منسوب می نماید ، یکی قوای خود را در جنوب زیاد می نماید دیگری در شمال ، گویا خدای ناخواسته تمام همشان این است که اگر دست بیابند کار را بمرام خویش سازند و اگر انقلابی پیش آید خویشتر را نگاه داشته باشند و یا بعد از انعقاد اگر مجلس کابینه را تغییر دهد همه قسم اسباب پیشرفت کار را در قبضه خود داشته باشند. در کابینه که بعد از انعقاد مجلس تشکیل یابد اگر وزرا همین وزرای حالیه باشند وزیر مایه استعفا خواهد داد چه ملك وزیر مایه با وزرای کنونی موافق نیست ، حرف خیلی است هنوز نمیتوان زد و مردم هم فهمیده اند افسوس که هنوز جنس ایرانی از لذت اعزازات ملی بی خبر و بطرش از خود خواهی بنوع خواهی تجاوز نه نموده است وضع عاجل را بر خیر آجل خود ترجیح میدهند و به يك حد خود خواهی هم قانع نمیباشد و همین قدر که برتبه رسید نه تنها درجات اولیه خویش را فراموش می نماید بلکه هل من مزید گفته و خود را فراموش کرده تمام مردم را کور و کر میخواند، که نه تنها طالی را کور و گر خواسته و دانسته که از خیالاتش واقف نگردند بلکه خود را طاؤس علین شناخته فوری امر بر خودش هم مشتبه میشود

ترجمه اخبارات خارجه

طمس لندن ۱۵ نومبر مینویسد - برای افتتاح مجلس انتظامات کافی دیده و تمام ولایات راهم تعلیم داده شده که درین موقع جشن با شکوهی بگیرند فردا اقداماتیکه بشود سرسری خواهد بود و از آسب بعد سرماً مجلس شروع بکار خواهد کرد

شصت و پنج نفر وکلا حین افتتاح مجلس حاضر خواهند بود و بیشتر آنها طرفدار حکومت جدید معلوم می شوند - وزرای خایه اگر استعفا نیز بدهند بکثرت آراء آنها انتخاب خواهند شد ، خوف عظیمی دامنگیر بود که بین ملتیان و وزرا مخالفت پیش آید با اقدامات مافلان خیرخواهان این خوف مرتفع گردیده است ، اینک کابینه و منت با تفاق آراء و سپهبد اعظم و سردار اسعد بدون هیچ قسم خود خواهی و نصب کر خدمت بر میان بسته استقلال این حکومت را بیشتر نوید میدهد نسبت بر اینکه تمام امور بقبضه ملتیان در آمده و کارها را از نو بر و بالا مینمودند

ناصرالملک خواستگار است که غیر از وزارت کزادانه عهده باو سپرده شود تادر پیشرفت مقاصد حکومت تازه بتواند خدمات نمایان به نماید در اتحاد ملت و دولت کمال سی را نمود و اتفاق که در وکلا و وزرا پیش آمده که توأم خدمات وطن را انجام دهند از برکت انعام و وطن خواهانه اوست قشون دولت در (سراب) که بین غربی استارا و شرقی اردبیل است جمع می شوند و بین قراچه داغها و شامسونا نیز مخالفت نمایان شده گنگوی صلح در میان و هنوز اخبار صحیح نرسیده است ، من باب استعراض دولت جدید که با بود بذریه رهن جواهرات دولتی بشود تاکنون فیصل بیافه است

۱۶ نومبر مینویسد - امروز اعلیحضرت سلطان احمد شاه رسماً افتتاح مجلس را نمود ، نایب السلطنه و ولیعهد هر دو شامل بودند - شاعرانگان - علماء - شرقا - اعیان - افسران بری بحری تمام حضور داشتند ، رئیس الوزراء نطق شاهانه را قرائت نمود چون عده تماشایان در داخل مجلس محدود بود ، شور و خروش زیادی نمودار نشد ، میدان توبخانه را نهایت آراسته بودند و شب آتش بازی شد و شهر را چراغان نمودند اهالی با کمال آرای در ادای این مراسم مانند غربی شرکت داشتند

بموجب خبریکه از اردبیل رسیده دیشب بعد از آنیکه رحیم خان و همراهان او از شهر خارج شدند قشون دولتی که تحت فرمان (مسیو افریم) بود وارد زنجان شد و سنگرمائیکه به نظارت ناصرالملک ساخته شده بود تمام را شکستند

دلی نیوز لندن ۱۸ نومبر مینویسد - رؤسای گمرک خانه ایران در جانا (مونکور) مائیکه بناست از جلفا تا تبریز کار بکنند بدون اینکه ادای گمرک به نمایند اسکار ازخروج نمودند

دیروز در حینیکه اسبابهای امیر بهادر هراج می شد سفیر عثمانی و افسران روسی و جماعتی از ایرانیان حضور داشتند ژندراسی از طرف نظمیه آمده اظهار داشت که باید سه روز هراج اموال موقوف شود ، وکیل امیر بهادر که یکگز روسی بود اسکار نمود که حکم ژندرام را ساعت نماید ، چه او مطیع اوامر سفارت خانه خویش است ، بمجرد استماع این سخن از شخص روسی حاضرین با آواز بلندگفتند ، زنده باد ایران ، پاینده باد استقلال ایران و تمام از هراج خانه خارج گردیدند ، ازین واقعه معلوم می شود که مسیو (افریم) رئیس نظمیه چقدر محبوب اقلوب است که عدم شنوائی حکم او را اهالی ناپسند می نمایند

۱۶ نومبر مارتننگ پست مینویسد - امروز پارلمان ایران افتتاح شد میدارهای اطراف بهارستان و مکانهای قرب و جوار آن عملو از تماشائی بود همینکه ولیعهد و سردار اسعد و سپهبد اعظم وارد شدند ملتیان صداها را به تبریک و زنده باد بلند کردند نیم ساعت بعد از وقت مقرر اعلیحضرت شاهانه در حالتیکه گردون نشین احتشام با شش اسب بودند وارد شدند و فقط نایب السلطنه در رکاب بود ، شاه فوراً وارد مجلس گردیده بعد از سلام حاضرین بر جایگاه خودشان نمودند در عقب ذات شاهانه شاعرانگان و ملاها بودند در جانب راست سزا و اعضای سفارتخانه ها و در جب وزرا و در پیشرو شصت و هفت نفر وکلای مجلس صف بسته مقام احترام بودند در عقب وکلا بر صفت مرضی خانمهای سزا و وقایع نکاران جرات جی داشتند محض عدم رسان صدای نایب السلطنه نطق شامی را سپهبد اعظم قرائت نمود و خیل صاف و با صدای بلند قرائت شد ، پس از ختم نطق از مقام روزنامه نکاران صدای آفرین و تمجید بلند نریدند و سایر حصص مجلس خاموش بود ، بعد از اختتام مجلس شاه حرکت نمود و این واقعات در هفت دقیقه انجام پذیرفت

بمناسبت افتتاح پارلمان جناب مشیرالملك وزير لندن در سفارتخانه ایران انعقاد مجلس جشن ملی فرمودند تمام اعضای سنارت و مستر اس اچ کاستر قونسل جنرل وقونسل مستر آر. مچل و تمام ایرانیان و انگلیسان ایران دوست که من جمله لارڈ لنگتن و جنرل سرطامس گاردن و سر آلبرت رالت و غیره برای تهنیت حاضر بودند. از آن بعد وزیر ایران از طرف خود و از طرف ایرانیان مقیم لندن تلگراف تبریک بطهران نمود. سرمنچرجی هیوکرکی با جماعت فارسیان در سفارتخانه آمده از طرف خود و ملت فارسیه عرض تبریک قدیم نمود. وزیر مخصوصاً این امر را هم بطهران تلگراف کرد.

حواب بطاق شاه را مردا مجلس خواهد داد و وزرا بکارهای خود موقتاً برقرار خواهند بود

واقعه شیراز

(ترجمه از بایر)

(۸ دسمبر)

بموجب خبر واصله از شیراز در خصوص فرار ایالت که روتر خبر داده بود حقیقت امر ازین قرار است که بی سهام الدوله ایالت و شیخ الملك رئیس تازه عدلیه ناتسک پیش آمده در عدلیه مرافعه پیش بود که رأی حکومت مخالف با حکم عدالت بود ریاست عدلیه ازین مداخلت بجای ایالت رنجیده شده فوراً به طهران تلگراف نمود طرفداران طرفین مرید بر این رنجش شدند عاقبت حکومت طهران مداخلت نموده با سهام الدوله ایالت اتفاق کرد و چنان تصویری شود که شیخ الملك را بطهران طلب نموده اند بر حسب اخبارات جدید در جنوبی اصنهاب انتشار بالا گرفته و عارتگراف دهات و قراء بسیار را عارت کرده اند، حکام تدارک نموده اند نه مجدد این گونه واقعات پیش نیاید، سواران مختباری بمقب دزدان فرستاده شده و سخت جنگ شده هشت دزد مقتول و نه نفر گرفتار آمده اند امید میرت که چهاردهم نومبر دسته قشون انگلیس مقیم شیراز حرکت نماید اروپائیان و ایرانیان هر دو از حرکت آنها متأسف اند اروپائیان را عقیده این است که این دسته از قشون مایه برقراری و استحکام ایالت است و ایرانیان قیام این دسته قشون را اسباب مرعوبیت دزدان می بندارند دسته مذکور برای حرکت از شیراز از قونسلخانه بیرون

آمد سپاهیان و خلاصیان خوشوقت بودند. بمجرد حرکتشان (لغتت لنگدن) آمده آنها را از حرکت مانع آمد. وقایع نکار موصوف مینویسد از وقتی که قشون انگلیس وارد شیراز شده تا امروز هیچ فرقی در امنیت پیدا نشده است چیزی که میتوان گنت این است که خوف حمله سولت الدوله و قشقایها مرتفع گردید

ایالت فارس سرمازان ایرانی را لباسهای تازه می پوشاند و قیمت زغال و میز را تمیل می نماید و قیمت تریاک را بر حسب امر طهران زیاد می کند ولی چیزی که باید بکند نکرد یعنی امنیت فارس، راه ها روز افزون تا امن می شود و از جنوب هم اخبار راه زنی میرسد

تلگراف روتر راجع بایران

(۲۷ ذیحده - ۶ دسمبر)

مخبر روتر از طهران خبر میدهد که وکلای پارلمان مجلس سری منعقد و درباره استقراض از خارجه و طلب نمودن مستشارهای خارجی بحث مینمایند

جبل المتین

شک نیست که اهم مسائل امروزه ایران قضیه این دو نکته است که ما تاگزیر ازین دو امر میباشیم بمقیده ما هر گاه مسئله مستشارهای خارجی را مقدم دارند مزید براعتبار دولت برای استقراض از خارجه حواعد گردید چه امروز که خارجه اشکال میکنند از دادن قرض با از عدم اطمینانشان باساس کارهای است همبر که ما مستشارهای خارجی را بر سرکار آوردیم اطمینان خارجه با استحکام کارما پیش خواهد گردید، فرضاً هم اگر ضرورت آنی مانع از تعویق استقراض باشد بارهن یا بی رهن یک استقراض حزتی بشود واستقراض عمده موکول باشد به آمدن مستشارهای خارجی بروی کار ورنه اگر هزار کروور پول هم درین وزارتخانه ها باوضع کنونی ریخته شود دره بحال ملک و ملت قائده نخواهد بخشید، احدی از وزرا نمیتواند دعوی کند که یک وزارت خانه در ایران موجود است و هیچ یک هم نمیتوانند مدعی شوند که دارای علم اداره هستند و با این وزارتخانه های شخصی نه اداری، استقراض از خارجه، استقلال مملکت را بر باد دادن و جسم وطن محبوبان را مسموم ساختن و پول بر باد نمودن است

(جبل المتین کلک)

و لا حق اخذ ابره بدون قبض دارند و توافق که
(مشترکین را قبض مخصوص سال هفدهم دست نیاورد)
(دمه شان بری شناخته نمیشود)

دیکل کالج استریت نمبر ۴

HARVEY MATIN OFFICE
1, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

(کلیه امور اداره با)

مدیر کل مؤید الاسلام است

(هر دوشنبه طبع)

(و سه شنبه توزیع میشود)

(یوم دوشنبه)

(۶ ذیحجه ۱۳۲۷ هجری)

(مصادف با)

(۲۰ دسامبر ۱۹۰۹ میلادی)

المتین

سنة ۱۳۱۱

مراسلات خصوصی بدون امضای

(معروف اداره درج نمیشود)

(قیمت اشتراك)

(سالانه — شش ماهه)

(هند و برمه)

(۱۲ زویه — ۷ رویه)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قران — ۲۰ قران)

(عثمانی و مصر)

(مجیدی — ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

(۳۰ فرک — ۱۶ م. ا. ا.)

(روس و ترکستان)

(۱۰ مات — ۶ مات)

در این حریده از هر گوه اخبار و وقایع سیاسی و موانع دولتی و فواید ملتی بحث میشود
(مقالات عام المنعمه مقبول و در انتشارش اداره آراست)

مناسبات دول در ایران

(یا رقابت همایگان)

(مناسبات تجاری دول)

ایران مابین دول مناسبات اقتصادی نامساوات دارد نهایت بعضی که تجارت در ایران بیشتر دارد مناسبات خود را قوی تر نموده، درین مناسبت دولتی روس و انگلیس بر دیگران می چربد چه مقدار تجارت آنان بر سایرین اضافه است ولی تجارت ما با انگلیس سر تا پا خساره و باروسیان قریب التساوی است یعنی در برابر مالالتجاره که از خلیج فارس صادر می شود نسبت ناچیز وارد می شود بقدری کم است که قابل التماس نیست، اگرچه در مالالتجاره که وارد خلیج می شود سایر دول هم شرکت دارند ولی عمده آن راجع بانگلیس است
(مناسبات سیاسی دول در ایران)

علاوه بر مناسبات اقتصادی که با ایران عموم دول دارند با سه دولت محادد مناسبات سیاسی هم دارد که عبارت از عثمانی و انگلیس و روس باشند، درین سنوات اخیر عثمانی بواسطه ابتلاآت اندرونی خود در مناسبات سیاسی در ایران از سایر هم قطاران خود عقب افتاد و فقط همان مناسبات حدودی که طبیعی بود باقی ماند، برعکس مناسبات سیاسی روس و انگلیس هم علاوه بر این که در برابر

ایران نیز کارفرماید فقط درین چند سال اخیر آنها به تحریکات سری آلمان عثمانی بر انگلیس در مسئله سرحد آغاز بمحاصرت نهاد و کلیه عرض آن این بود که مدین وسیله بر مناسبات سیاسی عثمانی در ایران زیاد و چون حرکات سیاسی عثمانی ماثورات آنها بود نفوذ سیاسی عثمانی را در ایران پیشرفت بلبیک خود میدادند و در حقیقت هم بود
(خسارات صد ساله ایران در رقابت روس و انگلیس)
وقتی که مناسبات سیاسی ایران منحصر بروس و انگلیس شد هر يك به پیشرفت مقاصد خود کوشیده از شمال و جنوب ایران را فشار آوردند یکی اقتدارت ایران را در قفقاز درم شمسست دیگری امتیازات او را از عمانات مرتفع داشت یکی مناسبات او را در کرچستان و داعتان فیه کرد دیگری در سند و سرحد پنجاب، یکی حقوق شاهشاهی ایران را از خواص ترکستان مرتفع داشت آن دیگر از امرای افغانستان، یکی در حدود آذربایجان و خراسان تجاوز کرد آن دیگر در خطه بلوچستان و سیستان، یکی در شمال امتیاز راه شوسه گرفت دیگری در جنوب آن، یکی سنگ انتاح کرد آن دیگری هم معاوضه بالمثل را خواست، مختصر يك قرن کامل بین دولتی این کشاکش جاری بود و از دو طرف ایران را فشار آورده تا بحال امروز هم در آوردند،

علت اعلان اتحاد روس و انگلیس تا بعد از جنگ روس و ژاپون که آلمان فرصت یافت بذریعۀ عثمانی خواست پهلوان سوم این زورخانه شود چون این دورقوب یکصد سال است در سایه همین رقابت منافع عظیمه که شمه از آرا و شمریم حاصل نموده از پهلوان سوم در هراس بودید بناچار عقد اتحاد بسته در معنی ایران را بین خود تقسیم کرده در جلوگیری آلمان و عدم وسوخ و هود سیاسی او در ایران متفق گردیدید و از طرف دیگر مادت قوی او در معاملات ایران که عثمانی باشد همدست گردیده تا هر سیدیه نمکی شود او را ازین میدان رقابت دور سازند

ایرانیها سهو نه نمایند که این اتحاد نه برای استقلال آنها بوده و نه محض ترك رقابت سیاسی در ایران. این اتحاد محض جلوگیری آلمان است و بس، ورنه هنوز هم منافع رقابتی را دولتین دارد از ایران حاصل می نمایند و تا ایران خود را از موضوع رقابت خارج نماید رقابت دولتین از ایران مرتفع نخواهد گردید، چگونه مرتفع شود حال آنکه نفع دولتین در همین رقابت سیاسی است فرق این است که انگلیسان خود را بحریت خواهی در عالم معرفی کرده درین میدان هم خود را حامی آزادی خواهان جلو میدهند ازین رو حریت طلبان ایران را بمدوح واقع گردیده و روسها که معرفی خویش را باستبداد نموده خویشتن را حامی المستبدین نامرد کرده اند

بصارت ساده تر روسها در استبداد فائده خود را میجویند انگلیسها در مشروطیت، و هر دو هم از همین طرف فائده برده و این مسلکی که هر يك اختیاری نموده اند تا درجه طبیعت ثانوی آنها گردیده مانند حرارت در آتش و برودت در یخ، و حال آنکه هرگز آتش قابل تمجید نیست من حیث الحرارة و یخ را مذمت نباید کرد من حیث البروده، و این مسئله برای ایرانیان يك از رموز سر بسته است که بدون تور و تأمل از حرارت آتش و انجماد یخ تمجید یا تکذیب می نمایند

این بیان خیلی قابل شکر است پوشیده نماید که قبل از میاهوی مشروطیت

عین الدوله يك مشت بول از آلمانی ها گرفته وعده بلکه سند امتیاز بگ باو داد در آن موقع روسها مبتلای بخود بوده انگلیس ها باد بزخشان خورده دانستند نه اگر چندی اقتدارات پادشاهان ایران بدین قرار ماند آلمان بقسی پیشرفت خواهد کرد که جلوگیری از آن دشوار بلکه محال باشد، و چون این مسئله برای روسهم دارای مضمرات سیاسی و اقتصادی بود چاره را منحصر درین دیدید که از اقتدارات معزالدین شاه بکاهند و درین اصل روس و انگلیس متحد شوند

در همان آغاز مخبرات اتحادی بگلیسان را موقع بدست آمده در پیش رفت مسلک حریت طلبان را در حصول مشروطیت تأیید نمود پس وسیله خود بر مادر فتنه خود را دوباره بدست آوردند و چون روسها از مراومه تشبثات علنی عاجز ماندند ناچار سرآ مسلک خود را تعقیب نموده برخلاف رفتار انگلیسان کوشیده و محمد علی و سایر مستبدین را قوت داده تا اینکه مجلس را منهدم و اساس مشروطیت را برهم زدند در حین این اقدامات رقابتی هم یکدیگر را هم گول زده مثل اینکه در ابتدای میاهوی ملت وجع شدن آنها در سفارت، انگلیس بروس نمود که مردم از ظلم عمال و ملاها بستوه آمده برای نجات آنها و تشکییل عدایه کوشانند و همان وقت هم باسم اصلاح ادارات متفق شدند که يك قرضه توامی بایران داده و در آن قرضه شرایطی مراعات شود که نگذارند دست دول دیگر بروی ایران قرار گیرد و وقتی که روسها نیز خواستند مجلس را منهدم دارند انگلیسان را باین قسم قهرمانیدند که مجلس صورت انارشستی اختیار نموده باید شاه را در اتصال مجلس کمک نمود انگلیسانهم قافیه را باختند یعنی وقتی ملتت شدند که چرخ تدبیرشان از کار افتاده بود و بجنس احرار در سفارت و محاصره قزاقیکه تحت امر افسران روسی بودند سفارتخانه انگلیس را و. و. و. همه دال بر باقی بودن رقابت بین دولتین در معاملات ایران است

روسی و انگلیس در رقابت خود باقی اند حلا خوب است قدری در واقعات این چهار و نیم ساله که روس و انگلیس آغاز مخبرات اتحاد

در معاملات ایران نهاده اند باریک شویم تا معلوم شود دولتین که اتحاد قائم نموده از حرکات رقیبانه خود در ایران دست کشیدند یا نه، بعقیده ما علاوه بر اینکه در درجاندن عبارات سر بسته معاهده ذومعامله هر يك در تأیید مقاصد خود مر دیاری را گول زد. ابدأ از اقدامات رقابتی اولیه باز نیامده نهایت سابق رقابتشان با اعلان برعایه یکدیگر بود، حالا رقابتشان سری و علنی مازد اول مامر نماید که مخافت ظاهر شود و مراعات نزاکت را از دست ندهند که نار بیش آید، فرقی که کرده ایست در هر مسئله که خوف پیشرفت مقاصد رقیب سوم یعنی آلمان پیش آید فوراً ترک رقابت گشته متحداً جلوگیری می نمایند. برای اثبات این مدعا عور نمودن درموا - ذیل که واقعاتیست که هنوز فراموش نشده گای تصور می نماید

همینکه دولتین از امضای معاهده فراعنت حاصل نموده روسها خوشوقت بودند، بوسیده الزام ذومعنی سر بسته معاهده میدان را برده اند و همه قسم در حمایت محمد علی و جلوگیری از ملت کوشیده حمایت خود را از استبداد علی داشت تا مجلس مهتم و وقعه تبریز بزرگ شد و از طرف دیگر آلمان با باز موقع را غنیمت دانسته مستعد تأیید محمد علی گردیده، این نسبتاً بر انسان دولتین در ساب اقتدار از محمد علی افزود ولی از طرف دیگر باز مهادت رقابت آنها در تبریز وسعت گرفت چنانچه بدو انگلیسان از زیادتى روس و فرستادن قشون در تبریز جلوگیری کردند، ولی همینکه دیدند بذریعه عثمان ممکن است آلمان در آذربایجان رسوخ پیدا نماید روس و انگلیس اعان کرده و در من واقع نگذارند که تبریزیان پیش روند چه خوف آن داشتند اگر تبریزیان غالب بر طهران نمایند سومین دولت صاحب رسوخ و نفوذ در ایران شود، زیرا رؤسای مشروطین تبریز در ازدیاد نفوذ عثمانی (که عیناً نفوذ آلمان منصور بود) بی اختیار می کوشیدند و چون محمد علی هم تا درجه از دولتین مأیوس شده بود خوف آن داشتند که مبادا با آلمان سازش نماید و از طرف دیگر رضا نهاده که از شمال به تنها یا جنوب منفرداً بطرف طهران حرکتی نمود و همین نکته عین رقابت

بود، جلوگیری از سپهدار در وجه اول برای این بود که انگلیسان و شاه نهاده اند که یکطرف از شمال با جوی قفقازیان آمده طهران را مسخر داوند اگر در آنوقت بقسی که متصور بود بختیاریان هم حرکت بطرف طهران نموده بودند ابدأ مخالفتی از سارتن نمی شد چنانچه در نوبت آخری شد بلکه با اشارات سیاسی گفتند بروید.

همان قسم که از سالی دراز شهرت یافته که اردگایانرا با رؤسای بختیاری موافقت سری است در حق روسیان و سپهدار و رؤسای شالی هم کث میرفت چیزیکه صریح بر قنات آنها میباشد این است که از بعد امضای عهد نامه حاصه از بعد انهدام مجلس توجه دولتین این است که حتی وزرانی هم که بروی کار می آید ملاحظه میکنند که اگر یکی تطمیع یافته انگلیس دیگری تربیت یافته روس باشد تا مبادا رسوخ و نفوذ یکی و دیگری بچربد، درست اگر باریک شویم خواهیم دید اگر روس قشون به تبریز نمی آورد انگلیس هم در بوشهر سوق نمیدادند اگر روسها با رحیم خان ملاقات نمی کردند انگلیسها با صوت الدوله ملاقی نمی شد. الحاصل اگر واقعه اردبیل پیش نمی آمد این اعتشاشات اخیره فارس تا دهنه اصفهان بروز نمی نمود، اگر روسها در وقعه اردبیل خودداری نمی کردند تا کنون اعتشاش جنوب از اصفهانم تجاوز کرده بود، غرض این است که امنیت جنوب بسته بامنیت شمال است و همین نکته برای رقابت دولتین کای تصور می شود، ولی ما بچارگون از بلتیک تا آشنا دستهای زننده را ندیده سنگ و چوب که آله ضرب است بدنمان میگزیم بدبختانه ملاحظه می شود که همین مقیاس و میزان را دولتین کوشانند در وکلای مجلس هم مراعات نمایند پس از این بیانات میگوایم که رقابت دولتین روس و انگلیس بدون اینکه هیچ کوی بذیرفته باشد موجود است، فرق این است که سابق بزبان می گفتند و تلناً رقابت میورزیدند ولی بعد از معاهده زبان نمیگویند و سری میکوشند، هرگز انگلیس رضا نهاده که روس در ایران ولو در شمال باشد بر رسوخ و اقتدار خود بیفزاید و همین قسم ایست روس در مسوق رسوخ انگلیس حتی در جنوب، اینک نقطه شمالی و جنوبی را از پوی معاهده از

موضوع رقابت خارج قرار داده و هر يك حقوق دیگری را تصدیق نموده ، رموز دانان از پیش آمدهای عدیده که از بعد هدم مجلس تاکنون پیش آمده بیانات مارا بخوبی تصدیق می نمایند

نتیجه

نتیجه این سفری و کبری این است که مسلك روس و انگلیس ازین و بعد در ایران این خواهد بود که در مقابل نفوذ واقتدار آلمان یا دولت دیگر اتفاق کرده جلوگیری از وی خواهند نمود و همینکه از وی فزای حاصل کردند دوباره ما را موضوع رقابت خود قرار داده چنانچه قرن ازین رقابت فائده برده نازم خواهند برد، چیزیکه هست امروزه پیشرفت آلمان در رقابت از چند جهت قریب الحصول تر است، اول ایسکه ما را بی اندازه ضعیف ساخته اند دوم رسوخ و نفوذ خود را در داخله ایران خیلی زیاد نموده اند بقسی که درین صد ساله رقابت ما تا این درجه ضعیف بودیم و به هیچگاه رسوخ و نفوذ انگلیس و روس در ایران باین پایه عروج پیدا نموده بود، سوم حدود برای خود در ایران تعیین نموده تا درجه از خوف و هراس طرفین رسته آن خوفی که از استیلای بی بر ایران سر دیگری را ساری بود تا مدتی زائل گردیده است فرق انگلیس و روس در معاملات ایران چند امر است یکی آنکه دگر کردیم اختلاف مسلك (یعنی انگلیس مسلكاً حامی حریت و روسها مؤید اسارت هر ملت اند) دیگر آنکه چون انگلیسها میدانند مسکه هر چه روسها در شال بیابند گویا آنها در جنوب یافته اند هلوغ ولوغ در کار نیستند و خویشان را خیلی خود خواه و خود عرض جلوه نمیدهند ، ملت ایران را از خود منور نمی سازند ، سوم اینکه تا يك اندازه انگلیسها چون خود را مضمون درین تقسیم میدانند واضح حلال ایران مخالب با مسلك صد ساله آنهاست استقلال ایران را از اصل حلالش بیشتر پسند می نمایند، این بود نقشه سیاسی اقدامات روس و انگلیس در ایران، و هر که غیر ازین تاویل نماید بدون رو درواستی بهوالم سیاست آشنائی ندارد و یا مفروض است، هر ایرانی که حامی پلتیک یکی از دو همسایگان در ایران باشد یا در حقیقت جاهل است و یا یا برونی حق میگذارد،

مهر و وفا الصاف و مروت، راستی و دیالت، از الفالی است که در مدرسه پلتیک درس داده نمی شود

حالا به بنیم تکلیف ایرانیان چیست

تکلیف ایرانیان خارج نمودن خودشان است از موضوع رقابت و این منحصر بدو امر است

اول تعلیم ملی است بقسی که داعی بر حسب الوطنی آنها بشود ، چه باغاف دانایان آنچه پایه پیشرفت همسایگان در ایران شده جبرالت ملت است که حقوق وطن را نشناخته و منافع اتحاد قومی را ندانسته برای غم حاجل آله پیشرفت اعراض اجانب میشوند. وطن فروشی میکنند، بدلت خود خیانت می نمایند دوم تحصیل يك قوه دفاعیه است بر طبق زمان ، هر ملت که عاجز از دفاع باشد محال است بتواند استقلال خود را محافظت نماید ولو افراد آن هر يك دارای جمیع صفات و علوم تمدنی باشند و بتوانند در مقابل ملل دیگر بیداری نموده استقلال خویش را برقرار دارند ، ولی این دو نکته را طول زمان و فرصت در کار است و همسایگان محجول ما سعی اند که چنین فرصتی مارا بدست نیاید پس بدانایان ملت است مسکه برای چنین فرصتی تشکیل يك دائره رقابتی برای دولتین در ایران نموده آنها را مهلت ندهند که به ایشان بردازند ، چه طیبی است که هر آن دولتین آسوده از رقابت خارجی شوند ما را آسوده نخواهند گذارد و باید دانست که امروزه تشکیل چنین رقابت خبا اوست - ادی میخواند مسکه ریش خود را بدست نالی نداده و تراکت برالمللی را هم از میانسهم مرتفع نداشته و موقع ایراد به همسایگان نداده و آنها را از خود مأیوس نسازند تا نتیجه معکوس بخشد (یعنی بجای آنکه خودشان مشغول شوند اسباب اشتغال ما را فراهم آورند و یا با رقیب ساخته مارا دوره نمایند) هرگاه دانایان ایران موفق به تشکیل چنین رقابتی شدند در چند سال مهلت دولت ایران میتواند دو نکته مذکوره را تحصیل نموده خویشان را از موضوع رقابت خارج نماید و این منتهای حماقت است که ما بخواهیم در زیر سایه حایه روس و انگلیس حیثیت ژاپون را در وسط آسیا تحصیل نموده طبعاً بخوار پهلوی آنها گردیم

طهران

(وقایع نگار ما)

(سوم زبده)

به میمنت و مبارکی اعلیحضرت شاهانه رسماً مجلس را منقذ فرمودند و مختصراً چگونگی را تلگرافاً کردم. نطق شاه را سپیدار قرائت کرد جشن بسیار باشکوهی اهالی گرفتند ولی از وجنات ملتبان کمپورت مشروطین از وقعه اردیل و ورود قشون روس در آنجا نمایان بود

وزرا بواسطه برخی زمرهها که از ملتبان شنیده می شود به ترازو زمین زده میگویند. ما خدمات خود را به پایان رسانیدیم حالا مجلس راست که وزرای کار آمد تر انتخاب نماید، ولی قاطبه وکلا طرفدار و درایند و اقتضای حال کنونی ایران ابداء تغییر وزارت نیست و واقفان رموز میدانند که این کابینه درین چهار پنج ماه تغییر سلطنت خدمتی بزرگ نمود و ما تصدیق داریم که در ایرانیان بهتر از اینها در آن موقع نبود

نزاری که بین وزرا خاصه بین سردارین شنیده می شد رفع گردیده مستوفی الممالک وزیر مالیه با کابینه اتحاد ندارد و در کابینه جدید هم شرکت نخواهد نمود اگر مجلس با وزرا اتحاد نماید خیلی کار از پیش تواند برد ولی بوضی که آثار بیدار است وکلا را با وزرا اتحاد دائمی باقی نخواهد ماند چیزی که وزرا را قوت تواند داد اختلاف مسلکی است که در وکلا دیده می شود اگرچه اسکار نمیتوان کرد که انتخاب وکلای این دوره بهتر از وکلای دوره اوویه است با این همه تصدیق نمیتوان نمود اتفاق مسلک آنان را رؤسای مشروطین بیشتر ازین متشوش اند که غالب بلکه تمام حکام و نمایندگان ادارات از همان اشخاص دوره اوویه که معروف به استبدادند مقرر میگرددند و گویا بسایر اند بر اینکه همان اشخاصیکه اطمینان بهر امانی آنها در مواقع لازمه دارند بر سر کار آورند، در حقیقت تا امروز کابینه اسمی بلا مسمی و عبارت از سردارین بود سایر وزرا فقط اسمی داشتند بلا رسم، پارتن مخالف کابینه میگویند همان ترتیبی را که محمد علی در جمع قوای شخصی پیش گرفته بود و ملت غافل ماند امروز هم در پیش است بجز کابینه جمیع قوا را ساعی است بضمی در قبضه خود داشته باشد که علاوه بر تعیل آن

مجلس مرعوب باشد و همین که مجلس در مرعوبیت باقی ماند علاوه بر اینکه عماره در خطر عظیم خواهد بود هیچکاری هم از آنها پیش نخواهد رفت و ممکن است اگر وقتی اختلاف پیش آید از اختلاف محمدعلی وخیم تر گردد و این تصور مال اندیشان را خیلی متشوش داشته و در خیال انداخته است.

باری که طرفدار کابینه هستند میگویند نظر بمسلک محال که مجاهدین و برخی وکلا برخلاف کابینه اختیار نموده وزرا را برای حفظ مقام خویش مجبور باین اقدامات نموده است، در هر صورت امیدواریم که ازین و بده وکلای معتدل انزاج و رؤسای مال اندیش ملاحظه مقتضیات وقت را نموده وکلا و وزرا متحد شده تا کشتی مملکت را بساحل استقلال برسانند

امروز همه دانایان تصدیق دارند مال اندیشی جناب ناصر المملک را در عدم قبول وزارت و الحق اگر وزارت داشتند درین موقع نازک نمیتوانستند چنین خدمات بزرگ را بوطن خود به نمایند. جناب ممتاز الدوله وکالت مجلس را ترجیح بر قبول عهده های دولتی دادند، همینکه بدقت ملاحظه می نمایم حمیت وطن خواهان حقیقی که نیسکو در مشروطه خواهی امتحان داده اند در مجلس مقدس پیش از طبقات دیگر است و همین نکته ما را امیدوار بر حسن عاقبت مجلس می نماید

وزرا خیلی مجد باستقراض اند و در حقیقت هم اگر بول نباشد کار از پیش نبرود ولی با این وضع امروزی استقراض جز از روس و انگلیس آنها با شرایط بسیار سخت دشوار است و سبب عمده هم این است که درین چهار ماه و نیم وزرا در صدد ترتیب وزارتخانه های خود نیوفتاده یا خواسته اند، ابداء نمیتوان گفت که ما دارای هیچ وزارت خانه هستیم و تا کنون وزرا عقول خود را کافی از علم و عمل دانسته آنچه کرده میکنند طبع زاد و با اصول اداره فرسنگها دور است، اسم مستشار خارجی را بمشکل میتوان نزد وزرا آورد یعنی وزراء حائل نیستند از مستشارهای خارجی کار بگیرند چنانچه مسبو (بزرگ) مستشار مالیه را ابداء در وزارت مالیه دخالت نمی دهند و همان اشخاص سابقه معروف الحال رائق و فائق وزارت مالیه اند در این صورت جلب مستشارهای خارجی جز زیان مواج آنها نموده نخواهد داد دو همسایه متضاد